

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





- آشنایی با مفهوم اختیار انسان به عنوان حقیقتی وجدانی
- بررسی نقش اختیار انسان در جهان هستی
- آشنایی با نشانه‌هایی از وجود اختیار در انسان
- شناخت دو مفهوم حکمت الهی و قانونمندی جهان خلقت به عنوان زمینه‌های شکوفایی اختیار
- تبیین دو مفهوم قَدَر و قضای الهی و بررسی عدم تعارض این دو مفهوم با اختیار انسان
- آشنایی با روابط طولی و عرضی در بیان رابطه اختیار انسان با اراده خداوند



- ۱ **اختیار:** در لغت به معنای توانایی انتخاب و گزینش است. اختیار در کاربرد دینی حقیقتی وجدانی است که انسان به واسطه داشتن آن، می‌تواند با وجود قیده‌های طبیعی، اجتماعی یا الهی دست به انتخاب بزند.
- ۲ **قَدَر الهی:** قَدَر به معنای اندازه و تقدیر به معنای اندازه گرفتن است. این‌که گفته می‌شود موجودات جهان مقَدَّر به تقدیر الهی هستند، به این معناست که خدای متعال از روی علم خود اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند.
- ۳ **قضای الهی:** عمل الهی که ناشی از اراده خداوند بوده و متقن، مستحکم و استوار است و تفسیر و تبدیل در آن راه ندارد. موجودات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.
- ۴ **رابطه عرضی و طولی:** وقتی بین دو موجود هیچ‌گونه ارتباط علت و معلولی (وجوددهندگی و وجودگیرندگی) نباشد، گفته می‌شود آن دو موجود در عرض هم قرار دارند. برای مثال آرد، آب و نانوا در فرآیند تولید نان در عرض هم‌اند؛ چون هیچ‌کدام از این‌ها، علت و به وجود آورنده دیگری نیستند. اما دو موجودی که یکی از آن‌ها معلول و دیگری علت آن است در طول هم قرار دارند. به این معنی که رتبه وجودی علت قبل از رتبه وجودی معلول قرار دارد؛ و تا علت نباشد معلول نیز نخواهد بود. برای مثال میوه سیب در طول درخت سیب قرار دارد.





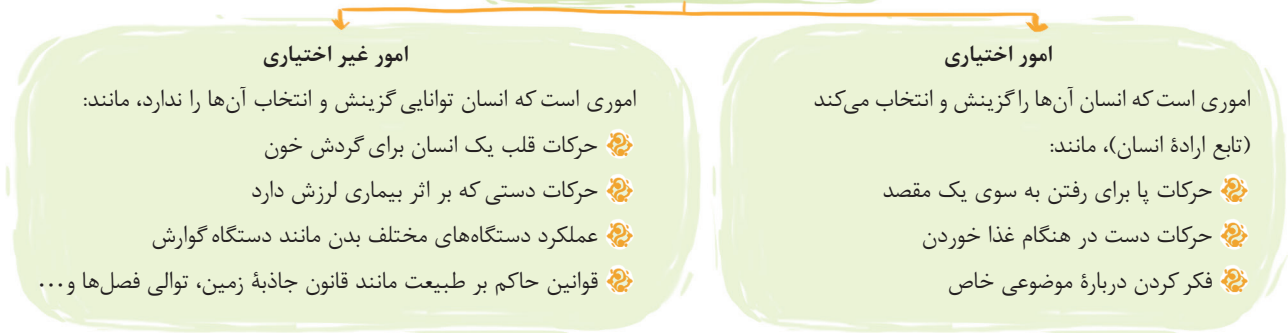
### مقدمه

در درس‌های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، ولی، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان با خداوند شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند (توحید در ربوبیت).  
در این درس، به بررسی نقش اختیار انسان در نظام جهانی و رابطه اختیار انسان با قوانین طبیعت و تدبیر و اراده الهی خواهیم پرداخت.

### اختیار حقیقی وجدانی و مشهود

اختیار یک حقیقت وجدانی، به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است. هر انسانی اختیار را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. با توجه به این تعریف امور موجود در زندگی انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند که با هم تفاوتی اساسی دارند:

#### دسته‌بندی امور موجود در زندگی انسان



۱ مبنای تصمیم‌گیری‌های ما بوده

و

۲ تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ما است.

در عین حال، همین اختیار محدود

مولوی حقیقت اختیار را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

#### مثنوی معنوی مولانا

#### موضوع: اختیار حقیقی وجدانی و غیر قابل انکار

می‌فشانند آن میوه را دزدانه سخت  
از خدا شرمتم، بگو چه می‌کنی؟  
می‌خورد خرما که حق کردش عطا  
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت  
می‌گشی ایمن بی‌گنه را زار زار  
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش  
من غلام و آلت فرمان او  
اختیار است، اختیار است، اختیار

آن یکی می‌رفت بالای درخت  
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی  
گفت: از باغ خدا بنده خدا  
پس بیستش سخت آن دم بر درخت  
گفت: آخر از خدا شرمی بدار  
گفت: کز چوب خدا این بنده‌اش  
چوب حق و پشت و پهلو، آن او  
گفت توبه کردم از جبر ای عیار

۱ اختیار حقیقی وجدانی است که هر شخصی این موهبت الهی را در خود می‌یابد و از آن بهره می‌برد.

۲ حتی کسانی که در نظام طبیعت معتقد به جبر می‌باشند و حقیقت اختیار را انکار می‌کنند، در عمل از قدرت اختیار بهره می‌برند.

این مثنوی از مولانا با آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ هم‌مفهوم است و هر دو به قدرت اختیار در انسان اشاره دارند.

پیام شعر

ارتباط معنایی

## نشانه‌های وجود اختیار

با وجود روشن بودن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

**۱ تفکر و تصمیم:** هرکدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.

این‌که فردا این‌کنم یا آن‌کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

**۲ احساس رضایت یا پشیمانی:** هرگاه در کار خود موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس ندامت نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشتم.

گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟  
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

**۳ مسئولیت‌پذیری:** هرکدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم. عهده‌ها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنمایی من دهم بد را سزا؟  
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

شواهدی بر وجود اختیار

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید.

### سوره انسان، آیه ۳

#### موضوع: بهره‌مندی انسان از قدرت اختیار و گزینش

إِنَّا	هَدَيْنَاهُ	السَّبِيلَ	إِمَّا	شَاكِرًا	وَإِمَّا	كَفُورًا
همانا ما	هدایت کردیم او را	[به] راه	یا	سپاسگزار	و یا	ناسپاس

ما راه [رستگاری] را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس.

- با توجه به این‌که واژه سبیل مفرد است می‌توان گفت راه درست یگانه است. ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾
- هدایت، نعمتی شایسته سپاسگزاری است و این سپاسگزاری تنها با انتخاب و پیمایش راه دین الهی محقق می‌شود.
- هرکس شاکر نباشد، کفور است و راه سومی وجود ندارد. ﴿إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- این خود انسان است که با اختیار و انتخاب خود، می‌تواند شاکر باشد؛ یعنی این راه را بپذیرد و به خوشبختی برسد و می‌تواند ناسپاس باشد؛ یعنی کفران نعمت کند و از راه حق سرپیچی نماید و به شقاوت برسد.

پیام آیه

این آیه به موضوع اختیار در انسان اشاره دارد و با ابیات زیر هم‌مفهوم است:

«این که فردا این‌کنم یا آن‌کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»

«گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟»

«و آن پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی»

«هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنمایی من دهم بد را سزا؟»

«هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟»

این آیه با آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا» هم‌مفهوم است و عبارت «إِمَّا شَاكِرًا» معادل «فَلِنَفْسِهِ» و عبارت «إِمَّا كَفُورًا» معادل «فَعَلَيْهَا» می‌باشد.

ارتباط معنایی



۱ (درس ۲-دهم) این آیه بیانگر اختیار می‌باشد که یکی از سرمایه‌های درونی انسان است.  
 ۲ (درس ۱- یازدهم) خداوند در این آیه به این نکته اشاره دارد که (با دادن نعمت عقل و راهنمایی پیامبران) حجت را بر مردم تمام نموده است.  
 ۳ (درس ۲- دوازدهم) هدایت الهی یکی از شئون ربوبیت خداوند است. بنابراین این آیه که به هدایت تشریحی خداوند اشاره دارد، دربردارنده مفهوم توحید در مرتبه ربوبیت می‌باشد.

سوره انعام، آیه ۱۰۴

موضوع: وجود قدرت اختیار در انسان

فَعَلِيهَا	عَمِي	وَمَنْ	فَلِنَفْسِهِ	أَبْصَرَ	فَمَنْ	رَبِّكُمْ	مِنْ	بَصَائِرُ	قَدْ جَاءَكُمْ
به رستی آمده برای شما	دلایل روشن	از پروردگارتان	پس هر کس	بینا شد	پس برای خودش	و هر کس	نابینا شد	به ضرر خودش	به رستی که دلایلی روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست.



۱ در این آیه، خداوند ابتدا از نزول رهنمودهای الهی که سبب بصیرت و بینش انسان می‌شوند، سخن می‌گوید و سپس به قدرت اختیار انسان در بهره‌گیری از این رهنمودها اشاره می‌کند.  
 ۲ رهنمودهای الهی یا با بصیرت افراد منجر به هدایت آن‌ها می‌شود و یا با نادیده گرفتن موجب گمراهی آنان می‌شود.  
 ۳ با توجه به این آیه می‌توان گفت سود ایمان و زیان کفر مردم، به خودشان برمی‌گردد، نه به خدا.



این آیه به وجود قدرت اختیار و تفکر و تصمیم که از شواهد وجود آن است اشاره دارد و با آیات ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا﴾ و ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ و بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم/ خود دلیل اختیار است ای صنم» هم مفهوم است.



(درس ۲- دوازدهم) این آیه شاهی بر ربوبیت الهی در خصوص بندگان است چرا که خداوند آن‌ها را به سوی مقصدی که برایشان معین فرموده، به وسیله دلایلی روشن هدایت می‌کند. ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِّن رَّبِّكُمْ﴾



سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

موضوع: بیان نتیجه عدم استفاده صحیح از قدرت اختیار

ذٰلِكَ	بِمَا	قَدَّمْتُمْ	أَيْدِيَكُمْ	وَأَنَّ	اللَّهُ	لَيْسَ	بِظَلَّامٍ	لِّلْعَبِيدِ
این [عقوبت]	به سبب آنچه	تقدیم کرد	دست‌هایتان	و قطعاً	خداوند	نیست	ستم‌پیشه	برای بندگان

این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست و گرنه خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.



۱ انسان در انتخاب مسیر زندگی و تمامی اعمال خود دارای قدرت اختیار است، لذا کارها و نتایج اعمالش به خود او نسبت داده می‌شود.  
 ۲ پاداش و کیفر الهی، مطابق عدالت و بر اساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است.  
 ۳ جهنم ثمره اعمال کسانی است که به درستی از قدرت اختیار خود استفاده ننموده و در دنیا راه و مسیر الهی را انتخاب نکرده‌اند.  
 ۴ کیفرهای الهی، ظلم خدا بر بشر نیست، بلکه ظلم بشر بر خویشان است و اگر خداوند گناهکاران را مجازات نکند، به نیکوکاران ظلم کرده است. ﴿أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾  
 ۵ این آیه شریفه به مسئولیت‌پذیری که یکی از شواهد وجود اختیار در انسان است، اشاره دارد.



- ۱ (درس ۵ - ۸هـ) این آیه دربردارنده مفهوم ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی است و با آیه شریفه ﴿أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ ارتباط معنایی دارد.
- ۲ (درس ۸ - ۸هـ) این آیه با حدیث نبوی «الْدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» هم مفهوم است چرا که هر دو به این نکته اشاره دارند که هر چه در آخرت به انسان می‌رسد، حاصل عمل دنیوی اوست.
- ۳ (درس ۱۶ - ۱۷هـ و ۶ - ۷هـ) عدالت الهی ایجاب می‌کند که کیفر گناهکاران به اندازه عمل بدشان باشد و نه بیشتر. این موضوع مفهوم مشترک این آیه و آیات ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا﴾ و ﴿مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا بِمِثْلِهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾ است.

### قانونمندی جهان، زمینه ساز شکوفایی اختیار

- ۱ برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم.
  - ۲ در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش برویم که جز خداوند، کسی به عظمت آن آگاه نیست.
- خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن

ممکن است در اینجا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده (ربوبیت خداوند) و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود؛ به عبارت دیگر ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قَدَر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانونمند است)؛ پس در این صورت، آیا قَدَر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

### قَدَر و قضای الهی

قبل از پاسخ به سؤال قبل، لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قَدَر» و «قضا» را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آن‌ها عمیق‌تر تأمل کنیم:

قضا الهی	قَدَر یا قَدَر الهی
قضا به معنای به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن، حتمیت بخشیدن است. مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.	قَدَر و قَدَر به معنای اندازه و تقدیر به معنای اندازه گرفتن است. مخلوقات جهان از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.

- ۱ نقشه جهان با همه موجودات و ویژه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست. (قَدَر الهی)
  - ۲ اجرا و پیاده‌کردن آن نیز به اراده خداست. (قضا الهی)
- پس این‌که می‌گوییم قَدَر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که:

اگر جهان تحت نظام قَدَر و قضای الهی قرار نداشت، نمی‌توانستیم با این اطمینان خاطری که اکنون داریم، دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم. از این‌رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.

آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست. یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها و اندازه‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.

### اصلاح یک پندار

- برخی که می‌پندارند قَدَر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است، تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو کرده و هر نظمی را برهم می‌زند؛ درحالی که دیدیم معنای قَدَر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر اساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است. پس بدون قَدَر و قضای الهی هیچ نظامی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیرمؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشستند. امام (ع) متوجه کجی و سستی دیوار شد. برای اینکه مبدا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آنجا برخاست و زیر سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» و امام در پاسخ فرمود:

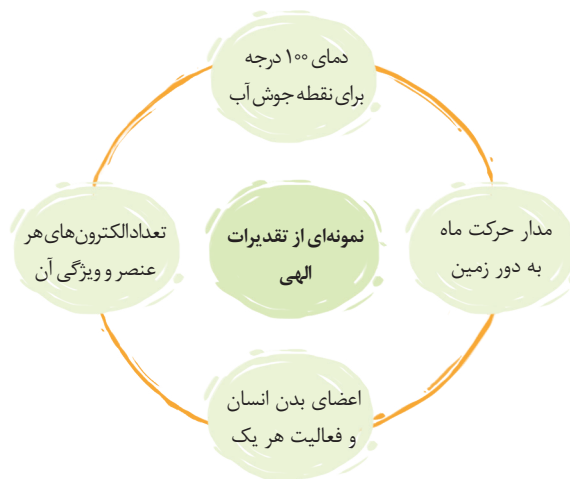
«از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

این جمله امام علی (ع) بدین معناست که از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم. برداشت نابجای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل، بی‌فایده است. اما امیرمؤمنان با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص (و دیگران) آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع فرو ریختن دیوار سست و کج، یک قضای الهی است؛ اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

بنابراین، جهان آفرینش مجموعه‌ای از قدرها و قضاها الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

### اختیار انسان، رکن تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. اینها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها، کمیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.



یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد. یعنی خداوند همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است. به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند، حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

### رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

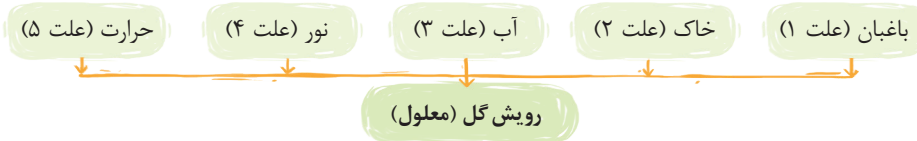
حال می‌خواهیم به پاسخ این سوال برسیم که چگونه می‌توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند:

#### ۱۱ علل عرضی

در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. یا مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جابه‌جا می‌کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جابجایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هریک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می‌کند تا گل برونید یا گلدان جابه‌جا شود. این گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند.



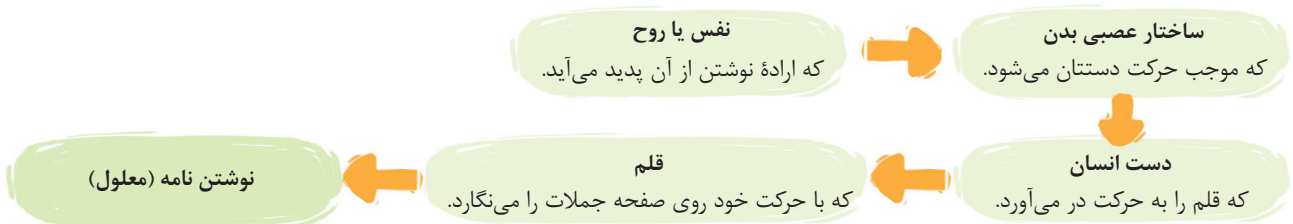
مطابق شکل زیر به مجموعه‌ای از علل که در کنار هم معلولی را پدید می‌آورند و این علت‌ها نیز با هم رابطه‌ای ندارند، علل عرضی می‌گویند.



در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم و مستقل نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است، اما با این وجود، آن عامل نمی‌تواند به تنهایی امر مورد نظر خود را به سرانجام برساند. یعنی مثلاً آب یا نور یا خاک به تنهایی نمی‌توانند باعث رویش گل شوند و هریک باید در عرض هم فعال باشند.

### ۷ علل طولی

گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، به هنگام نوشتن چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:



کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هریک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است، حرکت دست به نوبه خود محصول کار سیستم عصبی است، این کار هم ناشی از اراده‌ای است که برآمده از نفس شماسست. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند. در مثال پرورش گل، علت‌ها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علت‌ها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است). به عبارتی دیگر رابطه علل طولی رابطه‌ای است که در آن چند عامل به صورت زنجیره‌ای در به وجود آمدن معلول دخیل می‌باشند.

### اختیار انسان در طول اراده الهی

وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکنیم، آن کار انجام نمی‌گیرد. در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

### نمونه

پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟ آن حضرت پاسخ داد:

«آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود).  
امام (ع)، فرمود:

«خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آن جا حضور

داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود:

«شاید از این که گفتم رفتن بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات،

بیپوده و باطل می‌شد.»



## رابطه علم الهی با آینده انسان

**سوال**

**پاسخ**

ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آینده مرا می داند، پس دیگر تلاش و اراده من، چه نقشی در آینده ام دارد؟» چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از مقایسه کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از لغزشگاههایی است که قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می دهد.

کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند انجام حوادث را دربرمی گیرد. در حالی که علم انسانها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را پیش بینی می کند، یا معلمی که آینده یک دانش آموز را حدس می زند، هر یک بر اساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیمهایی خواهد گرفت، آیا متحول خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. در حالی که علم خداوند این گونه نیست. او همان طور که پایان فرایند را می بیند بر تمام اتفاقات و تصمیم گیری های طول فرایند هم شاهد و آگاه است. او می داند که مثلاً فردا آن دانش آموز به اختیار خود تصمیم می گیرد ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می گیرد از میزان خواب خود کم کند و دهها تصمیم اختیاری دیگر. هم چنین می بیند که این تصمیمها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیمها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، پیش بینی صرف درباره نتیجه نیست، بلکه خداوند با شناخت کامل و دقیقی که از مخلوقات خود دارد، می داند که این فرد با انتخاب خودش، چه مسیری را در پیش می گیرد.

### کتاب درسی زیر ذره بین

- وجود اختیار در انسان، حقیقتی وجدانی و روشن است و برای اثبات وجود آن، نیاز به هیچ گونه استدلالی نیست.
- اگر از طراحی نقشه جهان، علم الهی، اندازه، حدود، ویژگیها و ریزه کاری های جهان خلقت صحبت کنیم، به تقدیر الهی اشاره کرده ایم.
- اگر از پیاده سازی نقشه جهان، فرمان، حکم و اراده الهی صحبت کنیم، به قضا الهی اشاره کرده ایم.
- نظام قضا و قدر الهی، یکی از مصادیق تدبیر الهی و ربوبیت خداوند است.
- علل عرضی به مجموعه علت هایی گفته می شود که هر یک از علل، به صورت مستقل و مجزا در به وجود آوردن معلول نقش دارند. به عبارت دیگر هر یک از علتها در پیدایش معلول نقش مستقیم دارند.
- علل طولی به مجموعه علت هایی گفته می شود که از علل، به صورت زنجیره وار به یکدیگر وابسته بوده و در وقوع معلول، نقش دارند.

## پرسش های چهار گزینه ای

### تست های کنکور

- ۲۲۵۶- اگر بگوییم «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن ..... گفته ایم که مبنای آن، قبول علل ..... است و حاکی از ..... الهی می باشد.
- تبریز ۹۸
- (۱) درستی - طولی - تقدیر (۲) نادرستی - طولی - قضای (۳) درستی - عرضی - تقدیر (۴) نادرستی - عرضی - قضای
- ۲۲۵۷- ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه ای دارد؟
- تبریز ۹۸
- (۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.  
 (۲) بر مبنای تقدیر الهی، او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.  
 (۳) بر مبنای تقدیر الهی، او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.  
 (۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.
- ۲۲۵۸- با توجه به عبارت شریف ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ تقدیر الهی برای انسان چیست؟
- زبان ۹۸
- (۱) مشیت الهی زمینه ساز شکوفایی اختیار انسان است.  
 (۲) مسئولیت پذیری، مبنای عهدها و پیمان های ماست.  
 (۳) بصیرت الهی، مانع از گمراهی و ضلالت انسان است.  
 (۴) رضایت و ندامت، نشانگر قدرت انسان بر انجام کار است.

۲۲۵۹- با توجه به این که اختیار انسان، یک تقدیر الهی است، کدام مورد رابطه میان اختیار و تقدیر الهی را به درستی بیان می کند؟

فارج ۹۸

- (۱) تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدودکننده آن است.
- (۲) اختیار انسان با تقدیر الهی به طور کامل سازگار است اما با قضای الهی ناسازگار می باشد.
- (۳) خداوند اختیار را ویژگی ذاتی آدمی قرار داده است و هیچ چیز نمی تواند مانع اراده او شود.
- (۴) خداوند، قدرت اختیار و اراده به انسان عطا کرده است، فقط مشیت الهی مانع از اختیار انسان است.

۲۲۶۰- حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم» چه مطلبی را به یارانشان آموزش دادند؟

هنر ۹۷

- (۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.
- (۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم گیری های او براساس دستور عقل تحقق می یابد.
- (۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان عامل و زمینه ساز تحرک و عمل انسان است.
- (۴) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می کند.

۲۲۶۱- با توجه به این که رهنمودهای روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمره اطاعت و زبان نافرمانی، کدام است؟

زبان ۹۵

- (۱) ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
- (۲) ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾
- (۳) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ﴾
- (۴) ﴿وَلَئِنْ زَالَتْ إِنْ أَسْكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ﴾

۲۲۶۲- اختیار در انسان چگونه امری است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

هنر ۹۵ با تغییر

- (۱) مشهود و انکارناپذیر - ﴿قَالَ رَبُّ السَّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾
- (۲) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿قَالَ رَبُّ السَّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾
- (۳) مشهود و انکارناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
- (۴) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۲۲۶۳- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می شوند، تسلیم چه چیزی هستند و آیه شریفه ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ

هنر ۹۴ با تغییر

اللَّهُ لَيْسَ بِظُلَامٍ لَلْعَبِيدِ﴾ حاکی از کدام مورد است؟

- (۱) تقدیر الهی - تقدیر الهی (۲) قضای الهی - تقدیر الهی (۳) تقدیر الهی - اختیار انسان (۴) قضای الهی - اختیار انسان

۲۲۶۴- «جوشش آب در درجه مشخص» و «برخورداری انسان از اختیار»، به ترتیب از مصادیق ..... و ..... الهی است که امر دوم، برخاسته از علل

تهری ۹۳

..... است.

- (۱) تقدیر - تقدیر - طولی (۲) تقدیر - قضا - طولی (۳) قضا - تقدیر - عرضی (۴) قضا - قضا - عرضی

۲۲۶۵- «تأثیرگذاری پدیده ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر .....

انسانی ۹۳

و ..... الهی اند.

- (۱) قَدَر - قضا (۲) قضا - قضا (۳) قضا - قَدَر (۴) قَدَر - قَدَر

۲۲۶۶- هرگاه فروریختن دیوار کج را بر انسانی که زیر آن نشسته و متوجه کجی و سستی آن است، یک قضای الهی بدانیم، فرار از این قضا، امری .....

زبان ۹۳

است که پیام آیه شریفه ..... حاکی از این حقیقت است.

- (۱) ناممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- (۲) ممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- (۳) ناممکن - ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ﴾
- (۴) ممکن - ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ﴾

۲۲۶۷- اعطای ویژگی «مختار بودن» به انسان و «مايع بودن» به آب، بیانگر ..... خداوند است و خروج هر یک از این دایره، به ترتیب ..... و ..... است.

تهری ۹۳

- (۱) تقدیر - ممکن - ناممکن (۲) قضای - ممکن - ممکن (۳) تقدیر - ناممکن - ناممکن (۴) قضای - ناممکن - ممکن

۲۲۶۸- از دقت در پیام آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ چه موضوعی برداشت می شود؟

انسانی ۹۳

(۱) انسان، در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد.

(۲) هدایت به راه کمال، خواه ناخواه توأم با فراز و نشیبها است.

(۳) قانون لطف، هدایت انسان را که هرگز در آن تخلّفی نخواهد بود، ایجاب می کند.

(۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد.

۲۲۶۹- فرو ریختن دیوار کج، یک ..... الهی است که متناسب با ..... آن دیوار، یعنی کجی آن است و حضرت علی (ع) در پاسخ به پرسش یکی از

فارج ۹۱ با تغییر

اصحاب خود فرمودند: از ..... الهی به ..... الهی پناه می برم.

- (۱) تقدیر - قضای - قَدَر (۲) قضای - تقدیر - قضای (۳) قضای - تقدیر - تقدیر (۴) تقدیر - قضای - تقدیر

۲۲۷۰- عدم خروج موجودات از قانون مندی خود که با اعتماد و اطمینان به آن، برنامه ریزی و عمل می‌کنیم برخاسته از ..... الهی و حاکمی از ..... خداوند است.

(۱) تقدیر - اراده و خواست (۲) قضای - اراده و خواست (۳) تقدیر - علم (۴) قضای - علم *ریاضی ۱۹ با تغییر*

*زبان ۸۹*

۲۲۷۱- در رابطه اراده انسان با اراده خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟

(۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست خداوند است.

(۲) اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض اراده خداوند است.

(۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سر زند داخل در تقدیر الهی است.

(۴) حوادث جهان و از جمله، کارهای انسان تحت تأثیر تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر الهی است.

۲۲۷۲- تعیین نقشه پدیده‌ها با ..... خداوند و تحقق آن با ..... اوست که به ترتیب ..... و ..... رقم می‌خورد. *هنر ۸۹*

(۱) علم - اراده - قضا - تقدیر (۲) اراده - علم - قضا - تقدیر (۳) علم - اراده - تقدیر - قضا (۴) اراده - علم - تقدیر - قضا

*انسانی ۸۸ با تغییر*

۲۲۷۳- از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ﴾ کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

(۱) با وجود روشن بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم.

(۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هرکس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.

(۳) قدرت اختیار با فطرت انسان سرشته شده و از جهت بهره‌مندی از آن، مانند قدرت تفکر است.

(۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است.

۲۲۷۴- بین نظام مقدر جهان و اراده و اختیار انسان چه رابطه‌ای حاکم است و این رابطه به چه معناست؟ *ریاضی ۸۷*

(۱) طولی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است. (۲) عرضی - اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است.

(۳) طولی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او باشد. (۴) عرضی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او باشد.

### تست‌های تألیفی

۲۲۷۵- اختیار چگونه حقیقتی است و کدام بیت مؤید یکی از شواهد این حقیقت است؟

(۱) وجدانی و مشهود - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا»

(۲) عقلانی و ملموس - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا»

(۳) وجدانی و مشهود - «قطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود»

(۴) عقلانی و ملموس - «قطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود»



۲۲۷۶- آن‌گاه که از انجام کاری شرمنده می‌شویم و آن‌گاه که جوانب کار را سبک و سنگین می‌کنیم، به ترتیب کدام یک از شواهد اختیار را لمس می‌کنیم؟

(۱) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم (۲) مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت و پشیمانی

(۳) احساس رضایت و پشیمانی - مسئولیت‌پذیری (۴) احساس رضایت و پشیمانی - تفکر و تصمیم

۲۲۷۷- از نظر دین مبین اسلام انکار زبانی ..... به ..... می‌انجامد چرا که این موضوع .....

(۱) تقدیر - پذیرفتن ناچاری آن در اعمال و رفتار - حقیقتی است که با تدبیر در جهان پیرامون خود و استدلال، می‌توان به آن پی برد.

(۲) اختیار - پذیرفتن ناچاری آن در اعمال و رفتار - حقیقتی وجدانی است که هر کس آن را در خود می‌یابد.

(۳) تقدیر - به مشکل برخوردن در انجام افعال روزمره - حقیقتی وجدانی است که هر کس آن را در خود می‌یابد.

(۴) اختیار - به مشکل برخوردن در انجام افعال روزمره - حقیقتی است که با تدبیر در جهان پیرامون خود و استدلال، می‌توان به آن پی برد.

۲۲۷۸- پرسش «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» در کدام جنگ خطاب به حضرت

علی (ع) مطرح گردید و نشان‌دهنده کدام مطلب است؟

(۱) جنگ صفین - برداشت نادرست از قضا و قدر الهی (۲) جنگ جمل - برداشت نادرست از قضا و قدر الهی

(۳) جنگ صفین - برداشت نادرست از روابط علت و معلولی در جهان (۴) جنگ جمل - برداشت نادرست از روابط علت و معلولی در جهان

۲۲۷۹- آیه شریفه ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ به کدام دو مفهوم اصلی اشاره دارد؟

(۱) حکمت الهی - نظام قضا و قدر الهی (۲) حکمت الهی - اختیار انسان

(۳) عدل الهی - اختیار انسان (۴) عدل الهی - نظام قضا و قدر الهی

۲۲۸۰- این‌که خداوند اراده کند انسان را موجودی صاحب اختیار بیافریند و تأثیرگذاری خداوند در امور طبیعت و خلقت به ترتیب بیانگر کدام جلوه از نظام

قانونمند الهی است؟

(۱) تقدیر الهی - تقدیر الهی (۲) تقدیر الهی - قضای الهی (۳) قضای الهی - قضای الهی (۴) قضای الهی - تقدیر الهی



۲۲۸۱- از آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟

- (۱) فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.
- (۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و نداشتن اختیار برای انسان امری عادی است.
- (۳) فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکرگزاری را تبیین می‌کند.
- (۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

۲۲۸۲- مفهوم کدام گزینه به قدرت انتخاب انسان میان دو یا چند راه و روش اشاره ندارد؟

- (۱) «این‌که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾
- (۲) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
- (۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- (۴) پاسخ امام علی (ع) به سؤال مردی در راه بازگشت از جنگ صفین که پرسید: «پس آیا رنج‌های ما در این سفر به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداش داشته باشیم؟» چه بود و علت این مطلب چیست؟

(۱) خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ و اجر حضور در جبهه و اجر بازگشت از نبرد - زیرا به سبب توفیق الهی در انجام این امور موفق بوده‌اند.

(۲) خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ و اجر حضور در جبهه و اجر بازگشت از نبرد - زیرا به اراده خودشان در آن‌جا حضور داشتند.

(۳) از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی - زیرا به اراده خودشان این امور را به انجام رساندند.

(۴) از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی - زیرا به سبب لطف و رحمت الهی در انجام این امور موفق شدند.

۲۲۸۴- هر یک از موارد «سبک و سنگین کردن جوانب یک کار»، «تردید در انجام امور» و «نظام پاداش و کیفر» به ترتیب به کدام یک از شواهد وجود اختیار اشاره دارند؟

- (۱) تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی - مسئولیت‌پذیری
  - (۲) تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم
  - (۳) احساس رضایت یا پشیمانی - تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم
  - (۴) احساس رضایت یا پشیمانی - مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
- ۲۲۸۵- کدام گزاره در رابطه با «علم خداوند» نادرست است؟
- (۱) علم خداوند، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است.
  - (۲) علم خداوند، منحصر به نتیجه پایانی و سرانجام امور است.
  - (۳) علم خداوند، نه تنها فرآیند انجام حوادث را دربرمی‌گیرد بلکه مشمول پایان و نتیجه امور هم می‌شود.
  - (۴) علم خداوند، از جمله صفاتی است که حکمت خداوند متعال بر پایه آن استوار است.

۲۲۸۶- «استواری عهدها و پیمان‌ها» و «تردید در انتخاب از میان چند راه» به ترتیب بیانگر کدام یک از شواهد و دلایل روشن وجود اختیار است؟

- (۱) تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی
- (۲) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
- (۳) تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم
- (۴) مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت یا پشیمانی

۲۲۸۷- امیرالمؤمنین علی (ع) بعد از بلند شدن از زیر سایه دیوار کج و نشستن زیر سایه دیوار محکم با چه پرسشی از سوی یاران خود مواجه شد و پاسخ آن حضرت در قبال این سؤال چه بود؟

- (۱) «یا امیرالمؤمنین! آیا از قدر الهی می‌گریزی؟» - «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»
- (۲) «یا امیرالمؤمنین! آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» - «از قدر الهی به قضای الهی پناه می‌برم»
- (۳) «یا امیرالمؤمنین! آیا از قدر الهی می‌گریزی؟» - «از قدر الهی به قضای الهی پناه می‌برم»
- (۴) «یا امیرالمؤمنین! آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» - «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»

۲۲۸۸- کدام یک از جملات زیر، ناشی از این است که انسان علم خود را با علم خدای متعال مقایسه می‌کند؟

- (۱) علم خداوند، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه.
- (۲) اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آینده مرا می‌داند، تلاش و اراده من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد.
- (۳) علم خداوند هم پایان و نتیجه امور را دربرمی‌گیرد و هم فرآیند انجام حوادث را.
- (۴) همه وقایع و رخدادها، جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده انجام می‌گیرد، زیرا پروردگار این جهان، حکیم است و حکمتش بر پایه علم و قدرت اوست.

۲۲۸۹- از بیت «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟» کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟

- ۱) هر گاه در کار خود موفق شویم، احساس رضایت می‌کنیم. این احساس رضایت، نشانه اراده و تصمیم عاقلانه ماست.
- ۲) اختیار یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و عهدها و پیمان‌ها نشأت گرفته از همین حقیقت است.
- ۳) اختیار یک واقعیت عقلی است که انسان در ساعات متفاوت شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیرد و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کند.
- ۴) اگر در کاری مرتکب اشتباه شویم احساس ندامت به سراغمان می‌آید؛ این بدان معناست که آن اشتباه به اراده ما رخ داده است.

۲۲۹۰- در اعمال اختیاری انسان، ..... از ..... او نشأت می‌گیرد و در همین راستا رابطه علل ..... میان این دو عامل شکل می‌گیرد.

- ۱) نفس - اراده - عرضی      ۲) نفس - اراده - طولی      ۳) اراده - نفس - عرضی      ۴) اراده - نفس - طولی

۲۲۹۱- کدام مورد بیانگر علل طولی برای پیدایش یک پدیده است؟

- ۱) اراده انسان - حرکت دست - متن روی کاغذ      ۲) قدرت تفکر انسان - قدرت اختیار انسان - کشف یک رابطه علمی
- ۳) رویش گیاه - وجود نور و شرایط مناسب - باغبان      ۴) خاصیت رسانایی سیم - جریان الکتریسیته - روشن شدن چراغ

۲۲۹۲- ابیات «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟» و «گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / وین دریغ و خجلت و آزرم چیست؟»

به ترتیب به کدام یک از شواهد وجود اختیار در انسان اشاره دارند؟

- ۱) مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت      ۲) تفکر و تصمیم - احساس رضایت
- ۳) مسئولیت‌پذیری - احساس پشیمانی      ۴) تفکر و تصمیم - احساس پشیمانی

۲۲۹۳- کدام یک از عبارات زیر، بیانگر برداشتی نادرست از قضا و قدر الهی است؟

- ۱) «آیا رنج‌های ما در این سفر به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداش داشته باشیم؟»
- ۲) «از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»
- ۳) «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، اجر حضور در جبهه و اجر بازگشت از نبرد.»
- ۴) «قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند.»

۲۲۹۴- آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا

یک معلول، محقق شود به ترتیب، علل ..... و علل ..... محقق شده و مثال موافق آن‌ها به ترتیب ..... و ..... می‌باشد.

- ۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش      ۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
- ۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش      ۴) طولی - عرضی - نگارش - رویش گل

۲۲۹۵- مفاهیم «داشتن نقش مستقیم» و «عدم به نتیجه رسیدن در صورت نبود یکی از عوامل» به ترتیب به کدام یک از دسته‌بندی علل در پیدایش

پدیده‌ها اشاره دارند؟

- ۱) طولی و عرضی - عرضی      ۲) طولی و عرضی - طولی و عرضی      ۳) عرضی و عرضی - طولی و عرضی      ۴) عرضی - عرضی

۲۲۹۶- اختیاری که انسان در انجام کارها دارد ناشی از چیست و در این رابطه می‌توان گفت اراده انسان چه رابطه‌ای با اراده خداوند دارد؟

- ۱) قضای الهی - عرضی      ۲) قضای الهی - طولی      ۳) تقدیر الهی - عرضی      ۴) تقدیر الهی - طولی

۲۲۹۷- درباره مباحث مطرح شده در باب اختیار انسان، کدام عبارت نادرست است؟

- ۱) اختیار به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- ۲) هر چند اختیار امری روشن و واضح است؛ اما نیازمند استدلال‌هایی مانند تفکر و تصمیم و... است.
- ۳) اختیار یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را درون خود می‌یابد.
- ۴) بسیاری از امور، از محدوده اختیار انسان خارج است و به انتخاب او نیست.

۲۲۹۸- اگر به وجود آمدن پدیده‌ای با تأثیرگذاری عوامل مقدم در عوامل مؤخر و با واسطه باشد، علل ..... شکل می‌گیرد و اراده انسان در بروز افعال

اختیاری نمونه‌ای از علل ..... است.

- ۱) طولی - طولی      ۲) طولی - عرضی      ۳) عرضی - عرضی      ۴) عرضی - طولی

۲۲۹۹- اگر در به وجود آمدن یک پدیده عوامل مستقل متعددی به صورت یک مجموعه، همکاری کنند تا یک معلول نتیجه شود، علل ..... اتفاق افتاده

و ..... مثال آن می‌باشد و اراده انسان با قوانین حاکم بر جهان هستی، رابطه ..... دارد.

- ۱) طولی - نگارش - عرضی      ۲) طولی - نگارش - طولی      ۳) عرضی - رویش گل - طولی      ۴) عرضی - رویش گل - عرضی



۲۳۰۰ - از ابیات زیر کدام مفهوم قابل برداشت است؟

«گفت کز چوب خدا این بنده‌اش / می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش  
چوب حق و پشت و پهلوی، آن او / من غلام و آلت فرمان او»

(۱) اختیار، یک حقیقت عقلی است که به روشنی اثبات می‌شود.

(۲) هدایت الهی برای همه انسان‌ها آمده است و هر کس اراده کند از آن بهره‌مند می‌شود.

(۳) اراده انسان امری است مشهود که سرنوشت او را تعیین می‌کند.

(۴) اختیار، یک حقیقت وجدانی است که هر کس آن را در خود می‌یابد و انکارناپذیر است.

۲۳۰۱ - هر یک از موارد «تحدید»، «حتمیت بخشیدن»، «اندازه‌گیری» و «پایان دادن» به ترتیب به کدام یک از مفاهیم زیر تأکید می‌کنند؟

(۱) قضا - قَدَر - قضا - قَدَر (۲) قضا - قَدَر - قضا - قَدَر (۳) قَدَر - قضا - قَدَر - قضا (۴) قَدَر - قضا - قَدَر - قَدَر

۲۳۰۲ - کدام عبارت مطرح شده از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَٰ فَعَلَيْهَا﴾ قابل برداشت نیست؟

(۱) مفهوم این آیه شریفه، به مفهوم آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا﴾ نزدیک است.

(۲) اگر شخصی از قوه اختیار خود به درستی بهره‌گیرد، رهنمودهای الهی برای او می‌آید و سبب هدایت و بینا گشتن او می‌شود.

(۳) آگاه کردن مردم از امور ربوبیت الهی است و سود ایمان و زیان کفر مردم به خودشان بازمی‌گردد نه به خداوند.

(۴) این آیه شریفه با بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» ارتباط مفهومی دارد.

۲۳۰۳ - اگر بگوییم «وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است»، سخن درستی ..... که قبول علل ..... و

تسلیم بودن در مقابل ..... الهی، پیام این سخن ما است.

(۱) گفته‌ایم - عرضی - قضای (۲) نگفته‌ایم - عرضی - قضای (۳) گفته‌ایم - طولی - تقدیر (۴) نگفته‌ایم - طولی - تقدیر

۲۳۰۴ - مسئولیت‌پذیری، چه رابطه‌ای با قوه اختیار انسان دارد و کدام بیت با آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا﴾ ارتباط بیشتری دارد؟

(۱) معلول آن است - «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»

(۲) علت آن است - «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»

(۳) معلول آن است - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنمایی من دهم بد را سزا؟»

(۴) علت آن است - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنمایی من دهم بد را سزا؟»

۲۳۰۵ - از دقت در پیام آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ﴾ چه موضوعی برداشت می‌شود؟

(۱) خداوند بزرگ، عوامل افزایش‌دهنده بصیرت را برای انسان فراهم ساخت.

(۲) لطف خداوند، ایجاب کرد که انسان، بی‌نصیب از راهنمای الهی نباشد.

(۳) کوری درون، معلول خروج جبری از محافظت الهی است.

(۴) انسان در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد.

۲۳۰۶ - «حکم و فرمان الهی برای خلقت موجودات» و «نوع کارکرد اجزای موجود در بدن انسان» به ترتیب از چه موضوعاتی نشأت می‌گیرد؟

(۱) تقدیر الهی - قضای الهی (۲) قضای الهی - تقدیر الهی (۳) قضای الهی - قضای الهی (۴) تقدیر الهی - تقدیر الهی

۲۳۰۷ - فروریختن دیوار کج، میسر شدن کدام یک از قوانین الهی به دنبال هم بوده و امام علی (ع) از کدام قانون به کدام قانون الهی پناه می‌برد؟

(۱) قضای الهی به دنبال تقدیر الهی - از قضای الهی به قَدَر الهی (۲) قضای الهی به دنبال تقدیر الهی - از قَدَر الهی به قضای الهی

(۳) تقدیر الهی به دنبال قضای الهی - از قضای الهی به قَدَر الهی (۴) تقدیر الهی به دنبال قضای الهی - از قَدَر الهی به قضای الهی

۲۳۰۸ - بخش دارای اشکال این دیدگاه که: «اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد، چه در سایه دیوار

مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد» چیست؟

(۱) برای دو تقدیر کاملاً متفاوت قضای یکسان در نظر گرفته شده است، حال آن‌که هر تقدیری، قضای متناسب با آن را در پی دارد.

(۲) برای دو قضای کاملاً متفاوت تقدیر یکسان در نظر گرفته شده است، حال آن‌که هر قضایی، تقدیر متناسب با آن را در پی دارد.

(۳) برای دو تقدیر کاملاً متفاوت قضای یکسان در نظر گرفته شده است، حال آن‌که هر قضایی، تقدیر متناسب با آن را در پی دارد.

(۴) برای دو قضای کاملاً متفاوت تقدیر یکسان در نظر گرفته شده است، حال آن‌که هر تقدیری، قضای متناسب با آن را در پی دارد.



۹-۲۳۰- آن هنگام که کسی به خاطر پیمان شکنی، مستحق مجازات باشد و آن هنگام که با خود می‌گوییم کاش آن کار اشتباه را انجام نداده بودم، به ترتیب مفهوم کدام آیات زیر ترسیم شده است؟

- ۱) «گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجالت و آزر چیست؟» - «و آن پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی»
- ۲) «گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجالت و آزر چیست؟» - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / و نیایی من دهم بد را سزا؟»
- ۳) «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟» - «و آن پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی»
- ۴) «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟» - «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / و نیایی من دهم بد را سزا؟»

۱۰-۲۳۱- اختیار انسان، چگونه امری است و کدام آیه شریفه به این موضوع اشاره دارد؟

- ۱) محدودکننده تصمیم‌گیری‌های ما - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
  - ۲) محدودکننده تصمیم‌گیری‌های ما - ﴿قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾
  - ۳) تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ما - ﴿قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾
  - ۴) تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ما - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۱۱-۲۳۱- رابطه «نانوا، آرد و آب در تهیه نان»، «آسیابان و آرد» و «آب، خاک و نور در رشد درخت» به ترتیب چگونه رابطه‌هایی هستند؟  
 ۱) طولی - عرضی - عرضی      ۲) عرضی - عرضی - طولی      ۳) عرضی - عرضی - عرضی      ۴) عرضی - طولی - عرضی

### تست‌های ترکیبی

۱۲-۲۳۱- آیات شریفه مطرح شده در کدام گزینه، به ترتیب مصداق مناسبی برای «احساس رضایت یا پشیمانی» و «تفکر و تصمیم» از شواهد وجود اختیار هستند؟

- ۱) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۲) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۳) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- ۴) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

۱۳-۲۳۱- آیه شریفه ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾، علت نهی فرمانبرداری از شیطان را چه چیز معرفی می‌کند و به کدام یک از شواهد اختیار اشاره دارد؟

- ۱) سرپیچی شیطان از خدا - تفکر و تصمیم
- ۲) دشمنی آشکار شیطان با انسان - تفکر و تصمیم
- ۳) دشمنی آشکار شیطان با انسان - مسئولیت‌پذیری
- ۴) سرپیچی شیطان از خدا - مسئولیت‌پذیری

۱۴-۲۳۱- فردی از یاران امیرالمؤمنین که تصور می‌کرد اگر قرار باشد دیواری بر سرش خراب شود، حتماً این اتفاق می‌افتد و او نمی‌تواند تغییری در آن ایجاد کند، در درک چه موضوعی دچار مشکل شده بود و رفتار امیرالمؤمنین (ع) با این شخص در راستای انجام مسئولیت، در حیطه کدام یک از قلمروهای امامت آن حضرت بود؟

- ۱) نظام قضا و قدر الهی - مرجعیت دینی
- ۲) حفظ و نگهداری جهان توسط خدا - مرجعیت دینی
- ۳) نظام قضا و قدر الهی - ولایت ظاهری
- ۴) حفظ و نگهداری جهان توسط خدا - ولایت ظاهری

۱۵-۲۳۱- این موضوع که «خداوند حجت را بر انسان‌ها تمام کرده و آن‌ها را مسئول سرنوشتشان معرفی می‌کند»، در کدام آیه مطرح نشده است؟

- ۱) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
- ۲) ﴿ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَاتِكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾
- ۳) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾
- ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ﴾

# سنت‌های خداوند

درس نهم  
پایه دوازدهم



- آشنایی با مفهوم سنت‌های الهی به عنوان قوانینی حاکم بر طبیعت و زندگی انسان‌ها
- شناخت برخی سنت‌های عام و خاص حاکم بر زندگی انسان‌ها و بررسی آثار هر یک
- تبیین سنت ابتلا به عنوان فراگیرترین سنت حاکم بر زندگی انسان‌ها که ثابت و همیشگی است.
- آشنایی با سنت‌های امداد عام و امداد خاص (توفیق) الهی به همراه بررسی ویژگی‌های هر یک
- بررسی صفاتی نظیر رحمانیت و ستارالعیوب بودن خداوند در سنت سبقت رحمت بر غضب
- آشنایی با املاء و استدراج به عنوان سنتی که مختص زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه است و باعث شقاوت ابدی آن‌ها می‌شود.



- سنت:** بر اساس تقدیر الهی، خداوند قوانینی در طبیعت و زندگی انسان‌ها برقرار ساخته که قرآن کریم از آن‌ها با عنوان سنت‌های الهی یاد می‌کند.
- سنت عام:** سنت و قانونی که از طرف خداوند بر زندگی تمامی بندگان جاری می‌شود.
- سنت خاص:** سنت و قانونی که بر اساس اعمال خوب و بد انجام‌شده توسط انسان‌ها شامل حال آن‌ها می‌شود.
- ابتلاء:** واژه ابتلاء در لغت به معنای امتحان بوده و سنتی است که خداوند به منظور رشد دادن و بروز و ظهور استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد آن را حاکم نموده است.
- امداد:** واژه امداد در لغت به معنای عرضه است و در اصطلاح قرآنی سنت عام الهی است که خداوند به واسطه آن امکاناتی نظیر قدرت اراده و توان جسمی و فکری را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا او در مسیری که آن را انتخاب نموده مورد استفاده قرار دهد و بدین وسیله سرشت خود را آشکار کند.
- توفیق:** توفیق در لغت به معنای آسان کردن است و در اصطلاح دینی به این معناست که همراه با سعی و تلاش انسان، خداوند نیز او را حمایت و هدایت نموده و مسیر را برای او هموارتر می‌کند.
- املاء و استدراج:** این سنت به معنای فرصتی است که خداوند به دشمنان خود و غرق‌شدگان در گناه می‌دهد تا آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن تدریجی در تاریکی‌ها قرار دهند. در این سنت گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می‌افزاید تا آنان با استفاده از این امکانات بیشتر در فساد فرو روند.



## سؤالات

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانونمندی حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار اوست. در این درس می‌خواهیم به دو سؤال پاسخ دهیم:

۱ قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر زندگی انسان کدام‌اند؟

۲ آشنایی با این قوانین و سنت‌ها چه تأثیری در برنامه‌ریزی ما در زندگی و پیمودن راه موفقیت دارد؟

## سنت‌های الهی

بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت قانونمند است و پدیده‌های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می‌پیمایند. این قانونمندی، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و مردم را به شناخت آن‌ها، به خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است.

### سنت‌های الهی

#### قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها

شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب می‌شود که:

- ۱ نگرشی صحیح نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌ها، بیماری و سلامت و به طور کلی همه حوادث زندگی به دست آید.
- ۲ دیدگاه ما نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز شود.
- ۳ این شناخت در روابطمان با خدا، خود، دیگران و خلقت تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

#### قوانین جهان خلقت (طبیعت)

- شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علمی مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی امکان‌پذیر است.
- شناخت این دسته از قوانین سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و نیز بهره‌گرفتن از طبیعت می‌شود.

۵۲۲

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان سنت‌های الهی را در دو دسته طبقه‌بندی نمود. دسته اول سنت‌ها و قوانینی هستند که برای تمامی انسان‌ها برقرار است و به نام سنت‌های عام الهی شناخته می‌شوند. دسته دیگر سنت‌ها و قوانینی هستند که بر گروهی از مردم تعلق می‌گیرد و به سنت‌های خاص الهی مشهورند.

ابتلاء (سنت عام): عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند که همواره ثابت و همیشگی است.

امداد عام الهی (سنت عام): این سنت همراه با دادن امکاناتی نظیر قدرت اراده و توان جسمی است که از طرف خداوند هم به نیکوکاران و هم به بدکاران برای رسیدن به اهدافشان داده می‌شود.

سبقت رحمت بر غضب (سنت عام): از آنجایی که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همه آنان چه نیکوکار و چه گناهکار با لطف و مهربانی رفتار می‌کند.

تأثیر اعمال انسان در زندگی او (سنت عام): آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تأثیر رفتارهای گذشته او است به طوری که اگر عمل خیری انجام دهد پاداشش را می‌بیند و اگر عمل شری انجام دهد، کیفرش را مشاهده می‌کند.

املاء و استدراج (سنت خاص): این سنت بر زندگی دشمنان خداوند و غرق‌شدگان در گناه حاکم است و به معنای فرصتی است که خداوند به این افراد می‌دهد تا در تاریکی‌ها غوطه‌ور شوند. طبق این سنت مهلت‌ها با اختیار و اراده همین افراد به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌شود. در این سنت گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می‌افزاید تا آن‌ها با استفاده از همین امکانات بیشتر در فساد فرو روند.

توفیق الهی (سنت خاص): این سنت تنها ویژه کسانی است که با نیت پاک، قدم در راه حق می‌گذارند و هدفشان سعادت جهان آخرت و رضایت خداوند است و یکی از جلوه‌های آن نصرت و هدایت ویژه الهی است که پس از تلاش و مجاهدت انسان به وقوع می‌پیوندد.

### سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها



### سنت امتحان و ابتلاء

ابتلاء در لغت به معنای امتحان است و در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که:

- ۱ صفات درونی خود را بروز دهد و آشکار نماید.
- ۲ درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد.

البته میان امتحان الهی و امتحان بشری تفاوت وجود دارد و آن تفاوت این است که در امتحان بشری ما غالباً از حقیقت درون افراد بی‌خبر هستیم و می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن آن‌ها به آگاهی لازم برسیم. ولی امتحان خداوند علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای **۱ رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و ۲ نشان دادن تمایلات درونی افراد است.**

سنت ابتلاء **عام‌ترین و فراگیرترین** قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت زندگی هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، چه فقیر و چه غنی، صحنه امتحان‌ها و آزمایش‌هاست. **هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد.**

#### سوره انبیاء، آیه ۳۵

#### موضوع: ابتلاء و امتحان عام‌ترین سنت خداوند

كُلُّ نَفْسٍ	ذَائِقَةُ	المَوْتِ	و نَبَلُوکُمْ	بِالشَّرِّ	و الخَيْرِ	فِتْنَةً	و اِلینَا	تُرْجَعُونَ
هر کسی	چشمنده	مرگ	و می‌آزماییم شما را	با بدی	و نیکی	آزمایش	و به سوی ما	بازگردانده می‌شوید
هر کسی طعم مرگ را می‌چشد؛ و قطعاً ما شما را با شر و خیر می‌آزماییم و به سوی ما بازگردانده می‌شوید.								
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱ مرگ پدیده‌ای حتمی است و هیچ موجودی نمی‌تواند از آن فرار کند. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾</li> <li>۲ هر انسانی در زندگی خود همواره به وسیله امور شر و امور خیر مورد آزمایش قرار می‌گیرد. ﴿نَبَلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الخَيْرِ فِتْنَةً﴾</li> <li>۳ آزمایش‌های الهی وسیله‌ای برای ظهور و رشد استعدادها و بروز تمایلات درونی است.</li> <li>۴ انسان با مرگ، نیست و نابود نمی‌شود و با مرگ جسمانی به سوی خدا بازگردانده می‌شود. ﴿وَ اِلینَا تُرْجَعُونَ﴾</li> </ol>								
<p>(درس ۵ - ۵م) وقوع مرگ موجب می‌شود که حقیقت وجودی انسان به سوی خداوند بازگردد. این موضوع در عبارت قرآنی ﴿لَیَجْمَعَنَّکُمْ اِلی یَوْمِ الْقِیَامَةِ﴾ نیز مطرح شده است.</p>								

موفقیت در هر مرحله‌ای از امتحان الهی سبب ورود انسان به مرتبه‌ای برتر می‌شود و او را با امتحان‌های جدیدتر روبه‌رو می‌کند؛ درست مانند دانش‌آموزی که با موفقیت در هر امتحانی وارد مرحله‌ای بالاتر از امتحانات می‌گردد تا به موفقیت نهایی برسد. به طور مثال، اگر انسان ایمان به خداوند و بندگی او را اعلام کند، بنا به سنت ابتلاء وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص آن می‌شود و به میزانی که در آزمون‌های اولیه سربلند بیرون آید، قدم در آزمون‌های بعد می‌گذارد و برای کسب کمالات برتر آماده می‌شود.

#### حدیث امام صادق (ع)

#### موضوع: رابطه مراتب امتحان با مراتب ایمان

اِنَّمَا	المُؤْمِنُ	بِمَنْزِلَةٍ	کَفَّةِ المِیزَانِ	کَلَّمَا	زَیْدٌ	فِی اِیْمَانِهِ	زَیْدٌ	فِی بَلَائِهِ
همانا	مؤمن	به مانند	کفه ترازو	هر چقدر	زیاد شود	در ایمان او	زیاد شود	در آزمایش او
به راستی که مؤمن به مانند کفه ترازوست، هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز افزوده می‌شود.								
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱ موفقیت در هر مرحله‌ای از امتحان الهی موجب وارد شدن انسان به مرحله‌ای دیگر از امتحان الهی می‌شود.</li> <li>۲ اعلام و ادعای ایمان از طرف انسان سبب ورود او به مرحله امتحان و آزمایش خاص الهی می‌شود.</li> <li>۳ افزایش ایمان عاملی است که سنگین‌تر شدن امتحانات الهی را به دنبال می‌آورد.</li> </ol>								

خداوند با هر امر خیر یا شری ما را می‌آزماید. بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت، از دست دادن پدر و مادر یا داشتن پدر و مادر، بارش باران یا وقوع خشکسالی و به طور کلی هر حادثه شیرین یا تلخ، مواد امتحانی ما به حساب می‌آیند و نحوه مواجهه ما با آن‌ها پیروزی یا شکست ما را رقم می‌زند و ما را مهبیای امتحانی دیگر می‌سازد. از این رو، کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون ما رخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط عقب‌ماندگی و خسران ما را به دنبال دارد.

سوره عنکبوت، آیه ۲

موضوع: سنت عام امتحان و ابتلاء

أَحْسِبُ	النَّاسُ	أَنْ يُتْرَكُوا	أَنْ يَقُولُوا	أَمَّنَا	وَهُمْ	لَا يُفْتَنُونَ
آیا گمان کردند	مردم	که رها می‌شوند	که بگویند	ایمان آوردیم	و آن‌ها	آزمایش نمی‌شوند

آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند همین‌که بگویند ایمان آوردیم؛ و آزمایش نمی‌شوند؟

- همه انسان‌ها در طول عمرشان در معرض آزمایش الهی قرار می‌گیرند و کسانی که ادعای ایمان دارند از امتحان الهی رها نمی‌شوند.
- کسانی که ادعای ایمان دارند تحت آزمایش‌های ویژه و امتحان خاص خداوند آزموده می‌شوند، زیرا ایمان تنها به زبان و ادعا نیست.
- برای اثبات این‌که مدعیان ایمان در عمل هم مومن هستند، این آزمایش‌ها ضروری است.
- تمامی اتفاقاتی که در زندگی یک شخص مؤمن رخ می‌دهد، می‌تواند آزمایشی از طرف خداوند باشد تا مؤمن بودن شخص به اثبات برسد و استعدادهای درونی خود را شکوفا کند.



تفکر در متن

در رفتار و عملکرد کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می‌داند، با کسی که آن را یک پیشامد طبیعی می‌شمارد، چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟  
**پاسخ:** کسی که چنین حوادثی را امتحان الهی بداند، در برابر آن‌ها صبر پیشه کرده و آن‌ها را وسیله رسیدن به کمال خود قرار می‌دهد و نه دستاویزی برای سقوط در دره گناه و شقاوت، هم‌چنین چنین فردی در مصیبت‌ها به خداوند نزدیک‌تر شده و از او برای سربلند بیرون آمدن از آن آزمایش، مدد می‌طلبد.

چگونه امتحان الهی به وسیله رخ دادن حوادث تلخ و شیرین

**سوال:** ممکن است این سؤال برای شما پیش آید که چگونه هر حادثه شیرین یا تلخی می‌تواند وسیله ابتلا و امتحان ما باشد؟  
**پاسخ:** بسیاری از افراد، امور روزمره زندگی خود را جریاناتی عادی، و نه آزمایش و امتحان، تلقی می‌کنند. آن‌ها می‌پندارند که امتحانات الهی تنها به لحظات سرنوشت‌ساز و استثنایی زندگی اختصاص دارد و فقط در چنین لحظاتی است که ایمان آدمی آزمایش می‌شود؛ در صورتی‌که با نگاهی دقیق درمی‌یابیم که هر ساعت از عمر ما با ده‌ها امتحان الهی همراه است و شکست یا پیروزی ما لحظه به لحظه در پرونده اعمالمان ثبت می‌گردد.  
 همین‌که هر لحظه، درباره افرادی که با آنان روبه‌رو می‌شویم قضاوت می‌کنیم خود نوعی امتحان است؛ و اگر خدای ناکرده در فکر و اندیشه خود با سوء ظن با دیگران مواجه شویم در آزمایش شکست خورده‌ایم. هم‌چنین در مواجهه با هر عملی از طریق توجه به رعایت حریم واجبات و محرمات امتحان می‌شویم. در هنگام حضور در میان مردم نیز از طریق رعایت حقوق دیگران مورد آزمایش قرار می‌گیریم. به طور کلی جای جای زندگی انسان محلی برای امتحان است. انسان مؤمن با توجه به همین مسئله است که لحظه لحظه گفتار و کردار خود را در معرض آزمایش الهی می‌داند و سعی می‌کند نوع و سبک زندگی خود را به گونه‌ای قرار دهد که در آزمایش الهی سربلند بیرون آید. به این خاطر درباره شهید ابراهیم هادی توجه کنید:  
 «ورزشکار بود و قد و اندام مناسبی داشت. هر روز با ساک دستی و لباس ورزشکاری به سمت باشگاه می‌رفت. یک بار رفقاییش به او گفتند: دیروز دو تا دختر دنبال تو بودند و درباره تو حرف می‌زدند. ماشاءالله با این تیپ و هیکل، خوب جلب توجه می‌کنی!  
 از فردا دیگر ساک ورزشی برنمی‌داشت! لباس‌های ورزشی خود را داخل کیسه نایلونی می‌گذاشت و یک پیراهن گشاد می‌پوشید و روی شلوارش می‌انداخت؛ می‌گفت نمی‌خواهم با نوع پوشش، ذهن یک جوان را مشغول کنم.»



## ۲ سنت امداد عام الهی

سنت دیگر، سنت امداد الهی است. وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می‌خوانند، مردم در برابر این دعوت دو دسته می‌شوند:

- ۱ دسته اول به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند.
  - ۲ دسته دوم لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند.
- خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت و ...) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است، به پیش رود.
- در واقع می‌توان گفت مطابق سنت امداد الهی خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه را فراهم کرده است. یعنی:
- ۱ کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد و مراتب کمال را می‌پیماید.
  - ۲ افرادی که فقط دنیا را انتخاب کرده‌اند و برای آن تلاش می‌کنند، همان را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیان‌بار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

**سوره هود، آیات ۱۵ و ۱۶**  
**موضوع: سنت امداد الهی در رابطه با افراد گناهکار**

کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند باطل است.

<ol style="list-style-type: none"> <li>۱ این‌که هرکس می‌تواند زندگی دنیا را بخواهد، شهادی بر وجود قدرت اختیار در انسان است.</li> <li>۲ ثمره دنیاخواهی و توجه به تجملات آن، آتش دوزخ و به هدر رفتن کار و کردار انسان است.</li> <li>۳ عمل برای دنیا و یا از روی ریا، در آخرت پوچ و تباه است.</li> <li>۴ دست دنیاگرایان در آخرت خالی است و چیزی برای عرضه ندارند.</li> <li>۵ روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار نشانه لطف خداوند به آنان نیست.</li> </ol>	 <b>پیام آیه</b>
<p>(درس ۱ - دهم) براساس سنت امداد عام الهی، دسته‌ای که هدایت الهی را نمی‌پذیرند و در مقابل حق می‌ایستند، همان کسانی هستند که اهداف فرعی و پایان‌پذیر را به عنوان مقصد نهایی خود برگزیده‌اند. خداوند در مورد این افراد می‌فرماید: «آن‌کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم و به هر کس اراده کنیم می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد ...».</p>	 <b>نکته ترکیبی</b>

**سوره اسراء، آیه ۲۰**  
**موضوع: سنت عام امداد الهی**

كُلًّا	نُمِدُّ	هُوْلَاءِ	و هُوْلَاءِ	مِنْ عَطَاءِ	رَبِّكَ	وَمَا كَانَ	عَطَاءٌ	رَبِّكَ	مَحْظُورًا
همه را	مدد می‌رسانیم [به] این‌ها	و این‌ها	از بخشش	پروردگارت	و نیست	بخشش	پروردگارت	ممنوع	

هر یک از اینان و آنان [دنیاطلبان و آخرت‌طلبان] را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.

<ol style="list-style-type: none"> <li>۱ سنت عام خدا بر این است که نعمت و امداد خویش را در اختیار همگان (چه نیکوکار و چه بدکار) قرار دهد و لوازم و امکانات رسیدن به خواسته‌های همگان را فراهم کند، تا هرکس صفات و سرشت خویش را بروز دهد. ﴿كُلًّا نُمِدُّ﴾</li> <li>۲ انتخاب راه حق یا باطل و نیکوکاری یا بدکاری، هر دو امداد الهی را به دنبال دارد.</li> <li>۳ سنت امداد الهی، مطابق با عطا و بخشش خداوند و از شعون ربوبیت و رحمت اوست. ﴿مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾</li> <li>۴ منظور از ﴿هُوْلَاءِ﴾ اول نیکوکاران و منظور از ﴿هُوْلَاءِ﴾ دوم بدکاران و اشرار است.</li> <li>۵ عطای خداوند، همیشگی و مشمول همه افراد (چه نیکوکار و چه بدکار) است. ﴿وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾</li> </ol>	 <b>پیام آیه</b>
--	--



رابطه  
علت و  
معلول

ارتباط  
معنایی

علت فراگیری امداد الهی ممنوع نبودن و فراگیر بودن عطای خداوند متعال است.  
﴿ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴾ (علت) ← ﴿ كَلَّا نُمَدِّ هَوْلًا و هَوْلًا ﴾ (معلول)

این آیه شریفه از جهت اشاره به سنت امداد عام الهی با آیه شریفه «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم...» ارتباط معنایی دارد.

### ۲ سنت توفیق الهی (امداد خاص)

توفیق الهی امداد خاص خدای متعال نسبت به کسانی است که:

۱ با نیت پاک، قدم در راه حق می‌گذارند.  
۲ در راه حق سعی و تلاش می‌کنند.

در فرهنگ قرآن کریم توفیق به معنای آسان نمودن است و در این جا به این معناست که همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد.

**سنت توفیق الهی می‌تواند جلوه‌های مختلفی در زندگی انسان داشته باشد:**

۱ نصرت و هدایت الهی: به دنبال تلاش و مجاهدت فرد، نصرت و هدایت الهی حاصل می‌شود. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

۲ ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی: یافتن دوست خوب، شرکت در یک جلسه قرآنی، خواندن یک کتاب تأثیرگذار و هدایتگر نمونه‌هایی از رشد و تعالی شخص مؤمن است که زمینه‌های آن توسط توفیق الهی ایجاد می‌شود.

جلوه‌هایی از توفیق الهی

۵۲۶

در کسب توفیق الهی، عوامل درونی مانند داشتن روحیه حق‌پذیری، هم‌نقش تعیین‌کننده دارد. برای مثال، دو نفر با هم آیاتی از قرآن را از رسول اکرم (ص) می‌شنیدند، اما این آیات ایمان یکی را تقویت می‌کرد ولی بر لجاجت و کفر دیگری می‌افزود. یا در مثالی دیگر دو نفر با هم از کنار مسجدی می‌گذرند و صدای اذان را می‌شنوند، یکی به مسجد می‌رود تا نماز اول وقت خود را بخواند و دیگری بدون توجه از کنار مسجد می‌گذرد.

### سوره عنکبوت، آیه ۶۹

موضوع: سنت خاص توفیق الهی

وَالَّذِينَ	جَاهَدُوا	فِينَا	لِنَهْدِيَهُمْ	سُبُلَنَا	وَإِنَّ	اللَّهَ	لَمَعَ	الْمُحْسِنِينَ
و کسانی که	تلاش و مجاهده کردند	در [راه] ما	قطعاً هدایت می‌کنیم آنان را	[به] راه‌های خود	و همانا	خداوند	همراه	نیکوکاران
و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است.								
۱	توفیق الهی، امداد خاص خدا نسبت به نیکوکاران است. علاوه بر امداد که سنتی عام است و شامل همه افراد می‌شود، در این سنت خاص، خداوند به طور ویژه نیکوکاران را در راه حق یاری می‌دهد.							
۲	یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت الهی در پی تلاش و مجاهده خالصانه است. برای رسیدن به هدایت ویژه الهی، تلاش لازم است و باید گام اول را خود انسان بردارد. ﴿ جَاهِدُوا... لِنَهْدِيَهُمْ ﴾							
۳	خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند ﴿ جَاهِدُوا فِينَا ﴾، به طور خاص امداد می‌کند. ﴿ لِنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا ﴾							
۴	روش‌های عبور از مسیر بندگی و رسیدن به قرب الهی متعدد است. ﴿ سُبُلَنَا ﴾							
۵	منظور از عبارت ﴿ جَاهِدُوا فِينَا ﴾ هرگونه جهاد و تلاشی است که در راه خدا و خالصانه برای رضایت او و به منظور خدمت به دین اسلام انجام پذیرد.							

پیام آیه

۱ (درس ۲- دوازدهم) یکی از مصادیق توحید در ربوبیت خداوند، هدایت بندگان تلاشگر و مجاهد بوده که در این آیه به آن اشاره شده است.  
 ۲ (درس ۳- دوازدهم) هر تلاشی هدایت الهی و قرارگیری در زمره نیکوکاران را به دنبال ندارد. بلکه تلاش و مجاهدتهای ارزشمند است که خالصانه برای خداوند باشد. ﴿جاهدوا فینا﴾



توفیق الهی و برخورداری از هدایت ویژه خداوند، نتیجه تلاش و مجاهدت افراد در راه حق است.  
 ﴿وَ الَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا﴾ (علت) ← ﴿لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (معلول)



### ۴ سنت سبقت رحمت بر غضب

از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همه آنان چه نیکوکار و چه گناهکار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند. بنابراین می‌توان گفت سبقت رحمت بر غضب سنتی عام است. او به بندگان خود اعلام می‌کند که:

«پروردگار شما رحمت را بر خود واجب کرده است.»

حتی آنجا که خداوند بر کسی سخت می‌گیرد، باز هم از دریچه لطف و رحمت است، مانند مادری که بر فرزندش سخت می‌گیرد و یا در مواردی او را تنبیه می‌کند تا او را از اشتباه باز دارد و به هیچ وجه قصد انتقام‌گیری از فرزند خود را ندارد. از همین جهت است که راه بازگشت گناهکار به خدا همیشه باز است. آموزش گناهان با توبه، آموزش برخی گناهان با انجام کار نیک، حفظ آبروی بندگان گناهکار، پذیرش عبادت اندک و رضایت سریع از کسی که طلب آموزش کرده است، نمونه‌هایی از سبقت رحمت بر غضب است.

#### فرازی از دعای جوشن کبیر

موضوع: سبقت رحمت خداوند بر غضب او

یا مَنْ	سَبَقْتُ	رَحْمَتَهُ	غَضَبَهُ
ای کسی که	سبقت گرفته است	رحمت او	غضب او
ای خدایی که رحمتش بر غضبش سبقت گرفته است.			

یکی از موارد سبقت رحمت بر غضب آنجاست که وقتی انسان کار نیکی انجام می‌دهد، خداوند به فرشته‌اش فرمان می‌دهد که فوراً آن را ثبت نماید. اما وقتی گناهی مرتکب می‌شود، به فرشته خود دستور می‌دهد که صبر کند تا بنده‌اش توبه کند و جبران نماید؛ و در صورتی که بنده توبه نکند، آن گناه را ثبت نماید. همچنین خداوند عمل نیک را چند برابر پاداش و کار بد را فقط به اندازه خودش جزا می‌دهد.

#### سوره انعام، آیه ۱۶۰

موضوع: سنت سبقت رحمت بر غضب

مَنْ	جَاءَ	بِالْحَسَنَةِ	فَلَهُ	عَشْرُ امْتَالِهَا	وَ مَنْ	جَاءَ	بِالسَّيِّئَةِ
هر کس	بیاورد	کار نیک	پس برای او	ده برابر مانند آن	و هر کس	بیاورد	کار بد
کسی که کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] می‌گیرد و کسی که کار بدی بیاورد							
فَلَا يُجْزَى	إِلَّا	مِثْلَهَا	وَ هُمْ	لَا يُظْلَمُونَ			
پس جزا داده نمی‌شود	مگر	همانند آن	و آنها	مورد ظلم واقع نمی‌شوند			
جز به اندازه آن کیفر نمی‌شود و بر آنان ستم نمی‌شود.							



۱ خداوند، در پاداش و کیفر به ترتیب با فضل و عدل خود رفتار می‌کند. ﴿عَشْرٌ أَمْثَالِهَا﴾ و ﴿إِلَّا مِثْلَهَا﴾  
 ۲ خداوند کسانی را که مرتکب گناه و زشتی می‌شوند، تنها به اندازه کار بدشان مجازات می‌کند؛ اما در مورد کار نیک ده برابر آن کار پاداش می‌دهد. بنابراین مطابق با سنت الهی، رحمت خداوند بر غضب او اولویت دارد.



۳ خداوند در کیفر انسان‌ها به عدل رفتار می‌کند و به هیچ‌کس ظلم نمی‌شود. ﴿وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾  
 ۱ (درس ۱ - ۸م) عبارت قرآنی ﴿مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾ بیانگر این موضوع است که آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست و هر فردی تجسم عمل خود را می‌بیند.  
 ۲ (درس ۱۶ - ۱۷م) این آیه و آیات ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ و لایرهُنَّ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ و لاذَلَّةٌ و ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾ همگی به این موضوع اشاره دارند که خداوند در دادن پاداش کار نیک و کیفر کار بد به ترتیب بر اساس فضل و عدل رفتار می‌نماید.

### ۵ سنت املاء و استدراج

خداوند برای انسانی که به دام گناه می‌افتد، شرایطی را فراهم می‌کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید؛ حتی اگر بارها گناه کرد و توبه نمود، باز هم خداوند از گناه او می‌گذرد. اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که ۱ از کار خود خرسند باشند و ۲ با حق دشمنی و لجابت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصتی می‌دهد و بر امکانات و نعمت‌های آنان می‌افزاید و آن‌ها این فرصت‌ها و نعمت‌ها را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند. درحقیقت، مهلت‌ها و نعمت‌ها، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر شوند. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه است، سنت «املاء و استدراج» نام دارد.

### سوره اعراف، آیات ۱۸۲ و ۱۸۳

#### موضوع: سنت خاص املاء و استدراج

وَالَّذِينَ	كَذَّبُوا	بِآيَاتِنَا	سَنَسْتَدْرِجُهُمْ	مِنْ حَيْثُ	لَا يَعْلَمُونَ
و کسانی که	تکذیب کردند	آیات ما [را]	به تدریج گرفتار خواهیم کرد آن‌ها را	از جایی که	نمی‌دانند
و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد، از آن راه که نمی‌دانند.					
وَأُمَلِي	لَهُمْ	إِنَّ	كَيْدِي	مَتِينٌ	
و مهلت می‌دهم	به آن‌ها	همانا	نقشه من	استوار	

و به آن‌ها مهلت می‌دهم همانا تدبیر من استوار است.

۱ استدراج به معنای «در هم پیچیدن تدریجی» یکی از سنت‌های خاص الهی ویژه تکذیب‌کنندگان آیات خداوند و کسانی است که با حق دشمنی می‌کنند. «کذابین و معاندین»

۲ تکذیب آیات روشن الهی، به سقوط تدریجی و هلاکت مخفی می‌انجامد. ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (چوب خدا، صدا ندارد).

۳ خداوند گمراهان را به تدریج گرفتار عذاب می‌کند. بدین صورت که امکاناتی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و آنان نیز با استفاده از این امکانات، به تدریج در گناه فرو می‌روند.

۴ استدراج عذابی مخفیانه و پله پله و آرام آرام است و گناهکارانی که به این حقیقت آگاه نیستند، امکانات خود را سودمند می‌دانند و به این موضوع واقف نیستند که این امکانات وسیله‌ای برای عذاب آنان است. ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۵ سنت استدراج، همواره همراه با سنت املاء است؛ یعنی خداوند علاوه بر دادن امکانات به تکذیب‌کنندگان، به آنان مهلت نیز می‌دهد. بنابراین، سنت استدراج، داخل در (زیر مجموعه) سنت املاء است. ﴿وَأُمَلِي لَهُمْ﴾

۶ طرح و تدبیر الهی، برای عذاب تکذیب‌کنندگان شکست‌ناپذیر است. ﴿إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾



این آیه و آیه ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ هر دو بر این موضوع دلالت دارند که خداوند به گناهکاران مهلت می‌دهد، اما آن‌ها این مهلت را وسیلهٔ هلاکت و شقاوت خود قرار می‌دهند.

ارتباط  
معنایی

(درس ۷-۸م) تکذیب آیات و نشانه‌های خداوند در دنیا قرارگیری در دایرهٔ سنت استدراج و در آخرت حسرت و پشیمانی از اعمال انجام شده در دنیا را به دنبال دارد؛ به گونه‌ای که این افراد در روز قیامت با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خود می‌گویند: «ای کاش به دنیا بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌بودیم.»

نکته  
تکذیب

قرار گرفتن در دایرهٔ سنت املاء و استدراج نتیجه عمل خود انسان هاست. بنابراین باید بکوشیم که در دایرهٔ این سنت قرار نگیریم تا به هلاکت ابدی گرفتار نشویم. امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید:

«چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریفته و شیفتهٔ خود گردد و خدا هیچ‌کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.»

### پیام آیات

با توجه به آیه ۱۸۲ و ۱۸۳ سورهٔ اعراف تحلیل کنید که در چه صورتی وفور نعمت نشانهٔ سنت املاء و استدراج است؟  
**پاسخ** این‌که وفور نعمت در زندگی انسان نشانهٔ سنت املاء و استدراج است را شخصیت فرد تعیین می‌کند. در واقع اگر وفور نعمت نصیب شخصی مؤمن و پرهیزکار شود، می‌توان گفت این وفور نعمت برکتی است که خداوند از آسمان و زمین به زندگی وی عطا نموده و اگر آن شخص از تکذیب‌کنندگان آیات الهی باشد، می‌توان گفت این فراوانی نعمت نشانهٔ گرفتار شدن فرد به سنت املاء و استدراج است.

### نمونه

در خطبه‌ای که حضرت زینب (س) در شام و در برابر یزید ایراد کرد این‌گونه یزید را مورد خطاب قرار داد: ...  
ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما چونان کنیزان رانده شدیم، مایهٔ خواری ما و موجب کرامت توست و حکایت از عظمت جایگاه تو دارد، که این چنین باد در بینی انداخته‌ای، و برق شادی و سرور از دیدگانت می‌جهد؟!  
اندکی آرام گیر، مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود:  
«آن‌ان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آنان مهلت می‌دهیم، (این مهلت) به نفع آن‌ها است، فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود.»

### سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او

رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آیندهٔ زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تأثیر رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است. به طور مثال، امام صادق (ع) می‌فرماید:

#### حدیث امام صادق (ع)

موضوع: تأثیر اعمال نیک و بد در طول عمر انسان

مَنْ	يَمُوتُ	بِالدُّنُوبِ	أَكْثَرُ	مِمَّنْ	يَمُوتُ	بِالْأَجَالِ
کسانی که	می‌میرند	به واسطهٔ گناهان	بیشتر است	از کسانی که	می‌میرند	به واسطهٔ اجل‌ها (سرآمد عمر)
کسانی که به واسطهٔ گناه می‌میرند از کسانی که به واسطهٔ سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند						
وَمَنْ	يَعِيشُ	بِالْإِحْسَانِ	أَكْثَرُ	مِمَّنْ	يَعِيشُ	بِالْأَعْمَارِ
و کسانی که	زندگی می‌کنند	به واسطهٔ نیکوکاری	بیشتر است	از کسانی که	زندگی می‌کنند	به عمر طبیعی
و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.						



این حدیث بیانگر سنت الهی «تأثیر اعمال انسان در زندگی او» است و به این نکته اشاره دارد که نیکوکاری موجب طول عمر می شود و گناه از عمر انسان می کاهد.



این حدیث و آیه شریفه ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ هر دو به موضوع سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارند و با یکدیگر هم مفهوم هستند.



همچنین در تعالیم دینی آمده است که صلۀ رحم و محبت به خویشان و دادن صدقه، عمر را افزایش می دهد و قطع رحم و بی محبتی به خویشان عمر را کاهش می دهد. احسان به والدین، امانت داری، لقمه حلال، آب دادن به درخت تشنه یا سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصۀ دیگران زندگی را بهبود می بخشد. ظلم به دیگران و افزایش گناه، اعم از فردی و اجتماعی، آثار زینباری از جمله نزول بلاء و عدم استجاب دعا را به دنبال دارد، همان طور که تقوا و ایمان واقعی به خداوند سبب نزول برکات الهی می گردد.

سوره اعراف، آیه ۹۶

موضوع: سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او و توفیق الهی

وَلَوْ	أَنَّ	أَهْلَ الْقُرَىٰ	آمَنُوا	وَ اتَّقَوْا	لَفَتَحْنَا	عَلَيْهِمْ
و اگر	که	مردم شهرها	ایمان آوردند	و تقوا پیشه کردند	قطعاً می گشودیم	برایشان
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، همانا برایشان می گشودیم						
بَرَكَاتٍ	مِنَ	السَّمَاءِ	وَ الأَرْضِ	وَ لَٰكِن	كَذَّبُوا	بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
نعمت هایی	از	آسمان	و زمین	ولی	تکذیب کردند	پس گرفتار ساختیم آن ها را
برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به [کیفر] آنچه مرتکب می شدند.						

- ۱ مطابق قانون الهی، آینده انسان ها بر اساس رفتار خوب یا بد آن ها رقم می خورد.
- ۲ ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه وجود تقوا در کنار آن لازم است. ﴿آمَنُوا وَ اتَّقَوْا﴾
- ۳ خداوند در این آیه، از تأثیر ایمان و تقوای اکثریت افراد جامعه در زندگی آنان یا همان سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او سخن گفته است.
- ۴ ایمان و تقوای افراد جامعه، موجب نزول قطعی و حتمی نعمت های بی دریغ الهی در جامعه می شود. به عبارتی می توان گفت عبارت قرآنی ﴿آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الأَرْضِ﴾ علاوه بر سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی اش به سنت توفیق الهی هم اشاره دارد.
- ۵ زمین و آسمان، سرچشمه برکات اند. ﴿بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الأَرْضِ﴾
- ۶ در این آیه علت عذاب و گرفتاری مردم یک جامعه، اعمال نادرست خود آنان و اعمال مستمر اختیاری خودشان ﴿كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ در جامعه معرفی شده است. بنابراین می توان گفت رسیدن به رحمت یا محرومیت از آن، بازتابی از عملکرد خود مردم است.

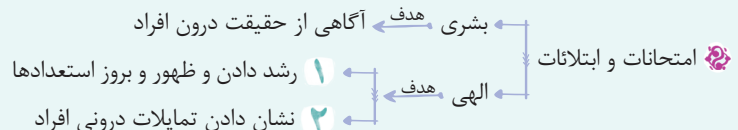


(درس ۱۲ - یازدهم) آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعْجِبُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ﴾ نیز همانند این آیه عامل از دست دادن نعمت در جامعه را خود مردم معرفی می کند و به حالت اجتماعی سنت تأثیر اعمال در زندگی انسان ها اشاره دارد.



کتاب درسی زیر ذره بین

این که در عالم طبیعت و زندگی انسان ها قوانینی تحت عنوان سنت الهی وجود دارد، معلول و نتیجه وجود تقدیر الهی است.



سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها در این درس را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

### ۱ ابتلا و امتحان

عام‌ترین و فراگیرترین سنت خداوند  
 در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد.  
 آیات مرتبط: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلَّوْكُمْ بِالسَّرِّ وَ الْحَيْبِ فَتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾  
 ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُلْزِمُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

### ۲ امداد عام الهی

مدرسائی و کمک به تمامی افراد برای رسیدن به اهدافشان  
 این سنت با دادن امکاناتی نظیر قدرت اراده، توان جسمی و سایر سرمایه‌ها چه به نیکوکاران و چه به بدکاران همراه است.  
 آیه مرتبط: ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءً وَ هُوَآءٌ مِنْ عَطَاةِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاةَ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾

### ۳ سبقت رحمت بر غضب

خداوند نسبت به همهٔ بندگان خود محبت دارد و با همهٔ آنان با لطف و مهربانی رفتار می‌کند و در این راستا اعلام می‌کند: «پروردگار شما، رحمت را بر خود واجب کرده است.»  
 آیه مرتبط: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

### ۴ تأثیر اعمال انسان در زندگی او

بسیاری از اتفاقاتی که در زندگی هر فردی رخ می‌دهد، تحت تأثیر رفتارهای گذشتهٔ خوب یا بد او است.  
 آیه مرتبط: ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾

### ۱ امداد خاص (توفیق الهی)

این سنت تنها ویژهٔ نیکوکاران و مجاهدان و تلاشگران راه حق است.  
 به دنبال این تلاش و مجاهدت، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که شخص مجاهد آسان‌تر به مقصد برسد.  
 آیه مرتبط: ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

### ۲ املاء و استدراج

این سنت تنها ویژهٔ کسانی است که از راه گناه و باطل خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند.  
 مطابق این سنت خداوند به این دسته افراد فرصت می‌دهد و بر امکانات آنان طوری می‌افزاید که به تدریج به سوی هلاکت ابدی بروند.  
 آیه مرتبط: ﴿وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ ...﴾

## الف سنت‌های عام

این سنت‌ها زندگی تمامی افراد، چه نیکوکار و چه بدکار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها

## ب سنت‌های خاص

سنت‌هایی که مخصوص همهٔ افراد نیست و تنها یک گروه از نیکوکاران یا بدکاران شامل آن می‌شوند.

❁ «نشان دادن تمایلات درونی» و «آشکار شدن باطن افراد» به ترتیب از ثمرات سنت‌های ابتلاء و امداد عام است.  
❁ یکی از مصادیق سنت «امداد الهی» برای گناهکاران، «روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به آنان» است که این موضوع، نشانه‌ی لطف خداوند به آن‌ها نیست.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### تست‌های کنکور

۲۳۱۶- حاکم شدن سنت بیان‌شده در کدام آیه شریفه، موجب امتحان و آزمایش شدن به وسیله مهلت و فرصت اعطاشده از طرف خداوند می‌شود؟

ریاضی ۹۸ با تغییر

- ۱) ﴿ وَ لَکِن کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ ﴾
- ۲) ﴿ وَ تَبْلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَیْرِ فِتْنَةً وَ اِلَینَا تُرْجَعُونَ ﴾
- ۳) ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾
- ۴) ﴿ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلَا یُجْزِیْ اِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا یُظَلَّمُونَ ﴾

انسانی ۹۸

۲۳۱۷- دستاورد سنت ابتلاء برای انسان چیست و کدام عبارت قرآنی به آن اشاره دارد؟

- ۱) نتیجه عمل انسان‌ها را مشخص می‌کند - ﴿ وَ اَمْلِیْ لَهُمْ اِنْ کَیْدِیْ مَتِیْنٌ ﴾
- ۲) هویت و شخصیت انسان‌ها ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد - ﴿ وَ تَبْلُوکُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَیْرِ فِتْنَةً ﴾
- ۳) ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می‌باشد - ﴿ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ ﴾
- ۴) خداوند امکانات و لوازم رسیدن به هدف‌های هر فرد را فراهم کرده است - ﴿ لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ﴾

هنر ۹۸

۲۳۱۸- آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق، عناد و دشمنی می‌ورزند، گرفتار کدام سنت می‌شوند و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

- ۱) املاء و استدراج - ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾
- ۲) امداد - ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾
- ۳) املاء و استدراج - ﴿ کَلَّا نُمِیْدُ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَ مَا کَانَ عَطَاءُ رَبِّکَ مَحْظُوْرًا... ﴾
- ۴) امداد - ﴿ کَلَّا نُمِیْدُ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَ مَا کَانَ عَطَاءُ رَبِّکَ مَحْظُوْرًا... ﴾

تهری ۹۸

۲۳۱۹- اگر مردم ایمان بیاورند و اهل تقوا باشند چه نتیجه‌ای می‌بینند و در غیر این صورت گرفتار کدام مسئله خواهند شد؟

- ۱) ﴿ کَلَّا نُمِیْدُ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ ﴾ - ﴿ وَ هُمْ لَا یُظَلَّمُونَ ﴾
- ۲) ﴿ لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ﴾ - ﴿ وَ هُمْ لَا یُظَلَّمُونَ ﴾
- ۳) ﴿ کَلَّا نُمِیْدُ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ ﴾ - ﴿ فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ ﴾
- ۴) ﴿ لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ﴾ - ﴿ فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ ﴾

۲۳۲۰- کدام آیه شریفه، بیانگر قانون الهی برای فردی است که با توجه به سنت بیان‌شده در عبارت «من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار» عمر طولانی دارد؟

زبان ۹۸

- ۱) ﴿ اَ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ یُتْرَکُوْا اَنْ یَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یُفْتَنُوْنَ ﴾
- ۲) ﴿ وَ الَّذِینَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیْهُمْ سُبُلَنَا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ ﴾
- ۳) ﴿ وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرْیِ اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ﴾
- ۴) ﴿ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ اَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلَا یُجْزِیْ اِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا یُظَلَّمُونَ ﴾

۲۳۲۱- فرو رفتن قدم‌به‌قدم گمراهان در فساد و تباهی، فاصله گرفتن آن‌ها از وادی انسانیت و حرکت به سوی عذاب الهی در کدام آیه شریفه، بیان شده است؟

فارغ ۹۸ با تغییر

- ۱) ﴿ اِنَّمَا نُمَلِّیْ لَهُمْ لَیْذًا دَاوِیْۤا اِنَّمَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِیْنٌ ﴾
- ۲) ﴿ وَ لَکِن کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ ﴾
- ۳) ﴿ اَ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ یُتْرَکُوْا اَنْ یَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یُفْتَنُوْنَ ﴾
- ۴) ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ ﴾

تهری ۹۷ با تغییر

۲۳۲۲- کدام سنت الهی، تنها حاکم بر زندگی گناهکاران است و کدام آیه مؤید آن می‌باشد؟

- ۱) املاء و استدراج - ﴿ اَ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ یُتْرَکُوْا اَنْ یَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یُفْتَنُوْنَ ﴾
- ۲) املاء و استدراج - ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾
- ۳) ابتلاء - ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾
- ۴) ابتلاء - ﴿ اَ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ یُتْرَکُوْا اَنْ یَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یُفْتَنُوْنَ ﴾

فارغ ۹۷

۲۳۲۳- پیام کدام آیه سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب‌ماندگی آن‌ها می‌گردد؟

- ۱) ﴿ اَ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ یُتْرَکُوْا اَنْ یَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یُفْتَنُوْنَ ﴾
- ۲) ﴿ کَلَّا نُمِیْدُ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَ مَا کَانَ عَطَاءُ رَبِّکَ مَحْظُوْرًا ﴾
- ۳) ﴿ وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرْیِ اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ﴾
- ۴) ﴿ وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثْ لَا یَعْلَمُونَ... ﴾

انسانی ۹۷ با تغییر

۲۳۲۴- از آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ...﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود؟

- (۱) خداوند در سنت املاء به کسانی که راه باطل را برمی‌گزینند مهلت و فرصت می‌دهد که از این فرصت برای نجات خود از ظلمت‌ها و تاریکی استفاده کنند.
- (۲) انسان‌ها اگر از مهلت‌ها و امکانات همراه با اختیار و اراده خودشان که به‌صورت لطف الهی جلوه‌گر شده، بهره ببرند می‌توانند بار گناهان را هر روز سبک‌تر کنند.
- (۳) خداوند در سنت امداد به کسانی که راه باطل را برمی‌گزینند مهلت و فرصت می‌دهد که از این مدد الهی برای نجات خود بهره ببرند و از تاریکی نجات یابند.
- (۴) به آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق دشمنی می‌ورزند مهلت زندگی داده می‌شود، ولی آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند.

زبان ۹۷

۲۳۲۵- از آیه شریفه: ﴿كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ...﴾ کدام مفهوم استنباط می‌گردد و اشاره به چگونه سنتی دارد؟

- (۱) کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد - عام
- (۲) کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد - خاص
- (۳) خداوند در برابر اعمال انسان‌ها با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند - عام
- (۴) خداوند در برابر اعمال انسان‌ها با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند - خاص

تهری ۹۶

۲۳۲۶- شناخت سنت‌های الهی چه فواید و ثمراتی علاوه بر نتایج شناخت تقدیرات الهی برای ما خواهد داشت؟

- (۱) ایجاد و ظهور استعدادهای انسان و رفتن به مراحل بالاتر
- (۲) تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان و خداوند
- (۳) درک عظمت خالق و بهره‌مندی از طبیعت و پدیده‌های طبیعی
- (۴) تأثیرگذاری بر یکدیگر و کشف مسیر تکاملی همه مخلوقات در جهان

فارغ ۹۶

۲۳۲۷- بر اساس آیات قرآن کریم چه کسانی مشمول رحمت واسعه الهی خواهند بود؟

- (۱) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَالِهَا﴾
- (۲) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- (۳) ﴿كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾
- (۴) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾

زبان ۹۶

۲۳۲۸- روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار، نشانه چیست؟

- (۱) غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها و ظلمات
- (۲) تأثیرپذیری شدید زندگی ما از رفتارهای ما
- (۳) حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی
- (۴) محرومیت آنان از نعمت‌های بی‌پایان الهی

ریاضی ۹۶

۲۳۲۹- روایت شریف «مَنْ يَعِيشْ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ» به سنت بیان شده در کدام آیه، اشاره نموده است؟

- (۱) ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾
- (۲) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
- (۳) ﴿كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءِ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾
- (۴) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾

انسانی ۹۶ با تغییر

۲۳۳۰- وعده قطعی خدا به کسانی که در راه او نهایت تلاش خود را به کار بندند، چیست و او همواره همراه چه کسانی است؟

- (۱) ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾ - «الْمُحْسِنِينَ»
- (۲) ﴿لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ - «الشَّاكِرِينَ»
- (۳) ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾ - «الشَّاكِرِينَ»
- (۴) ﴿لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ - «الْمُحْسِنِينَ»

ریاضی ۹۵

۲۳۳۱- «کمک‌های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، به پیش رود» در کدام آیه بیان شده است؟

- (۱) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ﴾
- (۲) ﴿كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾
- (۳) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- (۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَالِهَا﴾

۲۳۳۲- اگر بگوییم «خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید، تا با اصرار خودشان بیشتر در فساد فرو روند» و «سبب جدا شدن انسان‌های خوب از

هنر ۹۵ با تغییر

بد می‌شود» به ترتیب ناظر بر کدام یک از سنت‌های الهی است؟

- (۱) املاء و استدراج - ابتلاء
- (۲) املاء و استدراج - امداد
- (۳) تأثیر اعمال در زندگی - ابتلاء
- (۴) تأثیر اعمال در زندگی - امداد

تهری ۹۵

۲۳۳۳- ثمره ایمان مردم و گرایش به تقوا در میان آنان چیست؟

- (۱) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَالِهَا﴾
- (۲) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- (۳) ﴿كَلَّا نُمَدِّهُ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءِ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾
- (۴) ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾

۲۳۳۴- امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و در این راه سعی و تلاش می‌کنند، بیانگر کدام سنت الهی است و

تهری ۹۴

کدام آیه شریفه حاکی از آن می‌باشد؟

- (۱) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۲) توفیق الهی - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۳) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾
- (۴) توفیق الهی - ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

انسانی ۹۴

۲۳۳۵- با توجه به آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ کدام عبارت، درست است؟

- (۱) جهاد در راه خدا یکی از بهترین راه‌های مبارزه با دشمنان خداست.
- (۲) پیروزی بر شرک و بت‌پرستی فقط با همراهی محسنین امکان‌پذیر است.
- (۳) یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت به دنبال تلاش افراد است.
- (۴) نتیجه عمل هر کس به دست خودش می‌باشد ولی ثمره جهان پیروزی است.



۲۳۳۶- از آیه شریفه ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾ کدام مفهوم به دست می آید و اشاره به کدام سنت الهی دارد؟ **زبان ۹۳**

- (۱) خداوند برای کسانی که با اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزینند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کند - امداد
- (۲) خداوند برای کسانی که با اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزینند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کند - املاء
- (۳) هر کس با اراده خود، راه باطل را برگزیند و با حق دشمنی ورزد، خداوند به او مهلت و فرصت زندگی می‌دهد تا به هدف‌هایش برسد - امداد
- (۴) هر کس با اراده خود، راه باطل را برگزیند و با حق دشمنی ورزد، خداوند به او مهلت و فرصت زندگی می‌دهد تا به هدف‌هایش برسد - املاء

۲۳۳۷- فراهم کردن امکانات و لوازم دست‌یابی به خواسته‌ها، برای ابرار و اشار، کدام سنت الهی را رقم می‌زند و پیام کدام آیه شریفه بیانگر آن است؟ **هنر ۹۳**

- (۱) امداد - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۲) توفیق - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۳) امداد - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾
- (۴) توفیق - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾

۲۳۳۸- آن‌جا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ كَلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ» ورود انسان با ایمان را به حیطة امتحان

اعلام می‌نماید که منادی‌گر آن، پیام آیه شریفه ..... می‌باشد.

- (۱) خاص - ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾
- (۲) عام - ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾
- (۳) خاص - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۴) عام - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾

۲۳۳۹- از آیه شریفه: ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾ چه مفهومی برداشت می‌گردد و ناظر بر کدام سنت الهی است؟ **ریاضی ۹۳**

- (۱) هر کس با اراده و اختیار خود، راه باطل را برگزیند خداوند شرایطی را برای او فراهم می‌کند که در مسیری که پیش گرفته، به پیش رود - خاص و امداد
- (۲) هر کس با اراده و اختیار خود، راه باطل را برگزیند خداوند شرایطی را برای او فراهم می‌کند که در مسیری که پیش گرفته، به پیش رود - خاص و املاء
- (۳) روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانه مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست - عام و امداد
- (۴) روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانه مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست - عام و املاء

۲۳۴۰- اگر گفته شود: «سنت الهی، این است که هر کس، با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود تا در مسیری که

در پیش گرفته، به پیش برود.» فهم پیام کدام آیه، ترسیم شده است؟

- (۱) ﴿وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- (۲) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾
- (۳) ﴿وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّكُمُ لَئِمَّةٌ تَمْلِكُ لَهُمْ حَيْزًا فَتُلَاقِيهِمْ لَئِمَّةٌ تَمْلِكُ لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا﴾
- (۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾

۲۳۴۱- «تهیه اسباب و شرایط به منظور دست‌یابی آسان‌تر به مقصود از سوی خداوند» سنت ..... نام دارد که پیام آیه شریفه ..... حاکی از آن است.

- (۱) توفیق - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۲) امداد - ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾
- (۳) امداد - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾
- (۴) توفیق - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾

۲۳۴۲- اگر گفته شود: «ادعای ایمان، ورود به امتحانات خاص را به همراه دارد.» راه فهم پیام کدام آیه، بر فکر و اندیشه انسان، گشوده شده است؟ **زبان ۹۲ با تغییر**

- (۱) ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾ (۲) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾
- (۳) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾ (۴) ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

۲۳۴۳- آیات شریفه ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾ و ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾ به ترتیب ناظر بر کدام یک از سنت‌های الهی است؟

- (۱) توفیق الهی - توفیق الهی (۲) امداد الهی - امداد الهی (۳) امداد الهی - توفیق الهی (۴) توفیق الهی - امداد الهی **ریاضی ۹۲**

### تست‌های تألیفی

۲۳۴۴- بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانونمندی است و پدیده‌های جهان در دایرة قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند

یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی .....، و قرآن کریم از این قوانین با عنوان ..... یاد کرده است.

- (۱) دارد - مشیت الهی (۲) ندارد - مشیت الهی (۳) دارد - سنت الهی (۴) ندارد - سنت الهی

۲۳۴۵- سنت ابتلاء ..... قانون الهی است که جاری شدن آن در زندگی مردم برای ..... نیست، بلکه برای ..... است.

- ۱) مهم‌ترین - آگاه شدن از درون افراد - رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها
- ۲) عام‌ترین - نشان دادن تمایلات درونی افراد - آگاه شدن از درون افراد
- ۳) مهم‌ترین - نشان دادن تمایلات درونی افراد - آگاه شدن از درون افراد
- ۴) عام‌ترین - آگاه شدن از درون افراد - رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها

۲۳۴۶- بر اساس نص صریح قرآن کریم شرط ورود به امتحانات خاص الهی و نیز شرط باز شدن درهای برکت آسمان و زمین بر روی مردم، به ترتیب کدام موارد است؟

- ۱) ادعای ایمان - داشتن ایمان و اخلاص
- ۲) ادعای ایمان - داشتن ایمان و تقوا
- ۳) ورود به امتحانات الهی شرط خاصی ندارد و همه انسان‌ها دچار آن می‌شوند - داشتن ایمان و تقوا
- ۴) ورود به امتحانات الهی شرط خاصی ندارد و همه انسان‌ها دچار آن می‌شوند - داشتن ایمان و اخلاص

۲۳۴۷- خداوند به کسانی که با حق، عناد و دشمنی می‌ورزند، فرصت زندگی می‌دهد. آنان این فرصت را وسیله چه کاری قرار می‌دهند و چه سنتی بر زندگی آنان حاکم شده است؟

- ۱) بیدار شدن از خواب غفلت - امداد عام
- ۲) بیدار شدن از خواب غفلت - املاء و استدراج
- ۳) غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها - املاء و استدراج
- ۴) غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها - امداد عام

۲۳۴۸- مفاهیم «رشد و کمال انسان و یا عقب ماندگی و خسران او» و «ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی» به ترتیب در سنت‌های مطرح شده در کدام آیات وجود دارند؟

- ۱) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهَؤَآءًا﴾
- ۲) ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهَؤَآءًا﴾
- ۳) ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
- ۴) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ - ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

۲۳۴۹- در خطبه‌ای که حضرت زینب (س) در شام و در برابر یزید ایراد کرد، آینده یزید چگونه ترسیم شده بود و مستند آن کدام آیه قرآنی است؟

- ۱) گرفتاری در عذابی دردناک - ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ...﴾
- ۲) گرفتاری در عذابی خوارکننده - ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ...﴾
- ۳) گرفتاری در عذابی خوارکننده - «انان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آن‌ها مهلت می‌دهیم به نفع آن‌هاست...»
- ۴) گرفتاری در عذابی دردناک - «انان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آن‌ها مهلت می‌دهیم به نفع آن‌هاست...»

۲۳۵۰- علت تشبیه مؤمن به کفه ترازو از دیدگاه امام صادق (ع) چیست و کدام آیه شریفه به سنت مربوط به این موضوع اشاره دارد؟

- ۱) تأثیر نیکی و بدی در زندگی انسان - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾
- ۲) رابطه مستقیم میان تکامل فرد و ابتلاء او - ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾
- ۳) رابطه مستقیم میان تکامل فرد و ابتلاء او - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾
- ۴) تأثیر نیکی و بدی در زندگی انسان - ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

۲۳۵۱- آن هنگام که بگویم «چوب خدا صدا ندارد» و «با من سبقت رحمتت غصبت» به ترتیب پیام کدام آیات را ترسیم کرده‌ایم؟

- ۱) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ - ﴿أَمْ لِي لَّهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ﴾
- ۲) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ - ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا...﴾
- ۳) ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ - ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا...﴾
- ۴) ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ - ﴿أَمْ لِي لَّهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ﴾

۲۳۵۲- آیه شریفه «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند، باطل است» به کدام سنت الهی اشاره دارد و از جمله ثمرات این سنت چیست؟

- ۱) امداد - فرد تمایلات درونی خود را نشان می‌دهد.
- ۲) امداد - پیش رفتن فرد در مسیری که انتخاب کرده است.
- ۳) ابتلاء - استعدادها فرد رشد کرده و بروز می‌نماید.
- ۴) ابتلاء - موفقیت در آن سبب رشد و کمال انسان می‌شود.

۲۳۵۳- آیه شریفه ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا...﴾ ناظر بر سنت ..... است که در ..... اتفاق می‌افتد.

- ۱) امداد - همه دوران‌ها
- ۲) ابتلاء - همه دوران‌ها
- ۳) ابتلاء - برهه‌های سرنوشت‌ساز
- ۴) امداد - برهه‌های سرنوشت‌ساز

۲۳۵۴- «آسان شدن راه رسیدن به مقصود» و «پیش رفتن فرد در مسیری که انتخاب کرده» به ترتیب در کدام سنت‌ها مطرح می‌شوند؟

- (۱) امداد الهی - امداد الهی (۲) توفیق الهی - امداد الهی (۳) امداد الهی - ابتلاء الهی (۴) توفیق الهی - ابتلاء الهی

۲۳۵۵- کدام عبارت زیر در رابطه با سنت ابتلاء الهی صحیح نیست؟

- (۱) فرد در آن درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص می‌سازد. (۲) خداوند از درون فرد آگاه می‌شود.  
(۳) هویت و شخصیت انسان با آن ساخته می‌شود. (۴) استعدادهاى فرد فرصت رشد و بروز پیدا می‌کنند.

۲۳۵۶- قانونمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی ..... و زمینه‌ساز ..... است و این قوانین اختصاص به .....

- (۱) حکم و اراده الهی - به‌کارگیری اراده و اختیار - پدیده‌های طبیعی ندارد. (۲) تقدیر الهی - درک عظمت خالق - زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد.  
(۳) تقدیر الهی - به‌کارگیری اراده و اختیار - پدیده‌های طبیعی ندارد. (۴) حکم و اراده الهی - درک عظمت خالق - زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد.

۲۳۵۷- شناخت سنت‌ها و قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب کدام مورد نمی‌شود؟

- (۱) ممتاز شدن دیدگاه انسان نسبت به دیگران پیرامون حوادث و وقایع جهان (۲) ایجاد تأثیری به‌سزا در شناخت روابطمان با خدا، خود و سایرین  
(۳) ایجاد نگرشی صحیح نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها (۴) آشنایی با نشانه‌های الهی و بهره‌مندی از طبیعت

۲۳۵۸- اگر بگوییم: «خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌ها را فراهم می‌کند» و اگر بگوییم: «بر امکانات گمراهان می‌افزاید» به ترتیب به سنت ..... و ..... او اشاره کرده‌ایم که دومین آن ..... است.

- (۱) امداد - املاء و استدرج - همراه با مهلت دادن (۲) امداد - املاء و استدرج - از عطای پروردگار  
(۳) امداد - ابتلاء - از عطای پروردگار (۴) امهال - ابتلاء - همراه با مهلت دادن

۲۳۵۹- با توجه به نص صریح قرآن کریم «علت ظلم نشدن به بدکاران» و «علت عام بودن امداد الهی» به ترتیب از دقت در کدام عبارات برداشت می‌گردد؟

- (۱) ﴿وَأَمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ﴾ (۲) ﴿فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾ - ﴿وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾  
(۳) ﴿وَأَمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ - ﴿وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ (۴) ﴿فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ﴾

۲۳۶۰- لطف همیشگی و بی‌قید و شرط خداوند در کدام آیه و سنت، مطرح می‌شود؟

- (۱) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ﴾ - امداد عام الهی  
(۲) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ - امداد خاص الهی  
(۳) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ - تأثیر اعمال انسان در زندگی او  
(۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلٍهَا﴾ - سبقت رحمت بر غضب الهی

۲۳۶۱- اگر اعتقاد داشته باشیم «همین که هر لحظه، درباره افرادی که با آنان روبرو می‌شویم قضاوت می‌کنیم خود نوعی امتحان است» چه چیز، نشان‌دهنده شکست ما در این امتحان است و در دایره سنجش صحت، در رابطه با جمله «جای‌جای زندگی انسان محلی برای امتحان است» کدام حکم صادر می‌شود؟

- (۱) عدم توجه به رعایت حریم واجبات - صحیح (۲) عدم توجه به رعایت حریم واجبات - غلط  
(۳) در فکر و اندیشه خود با سوء ظن با آن‌ها مواجه شویم - صحیح (۴) در فکر و اندیشه خود با سوء ظن با آن‌ها مواجه شویم - غلط

۲۳۶۲- سخن امام صادق (ع) که فرمودند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَقَةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ» با سنت الهی مطرح شده در کدام آیه تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (۲) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾  
(۳) ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (۴) ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۲۳۶۳- یکی از نمودهای امداد خاص خدای متعال برای پاک‌نیتان قدم نهاده در راه حق از دقت در کدام آیه شریفه برداشت می‌شود؟

- (۱) ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَبُوا الْحَسَنَىٰ وَزِيَادَةً وَلَا يَرْهَقُوا وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ﴾ (۲) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾  
(۳) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ﴾ (۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلٍهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾

۲۳۶۴- مطابق حدیث «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَقَةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ» از امام صادق (ع)، داشتن ایمان، دچار شدن به کدام نوع از سنت ابتلاء را در پی دارد و این موضوع با کدام آیه ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) امتحان خاص - ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (۲) امتحان خاص - ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً﴾  
(۳) امتحان عام - ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (۴) امتحان عام - ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً﴾

۲۳۶۵- سنتی که در کسب آن «عامل درونی نقش تعیین‌کننده دارد» و سنتی که موجب می‌شود «راه بازگشت گناه‌کار همیشه باز باشد» به ترتیب چه نام دارد و مورد دوم چگونه سنتی است؟

- (۱) ابتلاء - سبقت رحمت بر غضب - عام (۲) توفیق الهی - تأثیر اعمال انسان در زندگی او - خاص  
(۳) امداد خاص - سبقت رحمت بر غضب - عام (۴) ابتلاء - تأثیر اعمال انسان در زندگی او - عام

۲۳۶۶- هرگاه خداوند متعال به جهت تسهیل در حرکت انسان به سوی مقصد اقداماتی را انجام دهد، کدام سنت الهی محقق شده و چه چیزی از جلوه‌های این سنت است؟

- (۱) سنت امداد الهی - تلاش و مجاهدت  
 (۲) سنت توفیق الهی - تلاش و مجاهدت  
 (۳) سنت امداد الهی - نصرت و هدایت الهی  
 (۴) سنت توفیق الهی - نصرت و هدایت الهی

۲۳۶۷- کدام یک از عبارات زیر پیرامون سنت املاء و استدراج صحیح نیست؟

- (۱) از جمله سنت‌های خاص و حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه است.  
 (۲) شامل حال کسانی می‌شود که در عین فرو رفتن در گناه و باطل، از کار خود خرسند باشند.  
 (۳) فرصت‌ها و امکانات، با اراده خود فرد به بلای الهی مبدل می‌شوند.  
 (۴) امکاناتی که در این سنت به افراد تعلق می‌گیرد، به منظور آشکارسازی باطنشان است.

۲۳۶۸- این موضوع که «برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار هلاکت ابدی می‌شوند» منطبق با کدام آیه شریفه است و هر کس ادعای ایمان کند، مشمول کدام سنت الهی قرار می‌گیرد؟

- (۱) ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ - ابتلاء  
 (۲) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ - ابتلاء  
 (۳) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ - املاء و استدراج  
 (۴) ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ - املاء و استدراج

۲۳۶۹- رحمت واسعة الهی بر افراد جامعه چه سنتی را نتیجه می‌دهد و کدام آیه شریفه بیانگر آن است؟

- (۱) امداد - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ هَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾  
 (۲) توفیق - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾  
 (۳) توفیق - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ هَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾  
 (۴) امداد - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾

۲۳۷۰- اگر بخواهیم برای «عام‌ترین سنت خداوند» و «سنت منتهی به هلاکت ابدی» آیاتی مثال بزنیم، به ترتیب کدام آیات شریفه مناسب خواهند بود؟

- (۱) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ﴾ - ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾  
 (۲) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ هَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ - ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾  
 (۳) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ﴾ - ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾  
 (۴) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَهَوْلَاءَ مِنْ هَوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ - ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾

۲۳۷۱- اقدام به کدام عمل به ترتیب موجب «بهره‌مندی از امداد خاص» و «قرار گرفتن در معرض امتحان‌های خاص» می‌شود؟

- (۱) سعی و تلاش در مسیر حق با نیت پاک - گزینش راه باطل و عناد و دشمنی با حق  
 (۲) اعلام ایمان به خداوند و راه هدایت الهی - سعی و تلاش در مسیر حق با نیت پاک  
 (۳) سعی و تلاش در مسیر حق با نیت پاک - اعلام ایمان به خداوند و راه هدایت الهی  
 (۴) اعلام ایمان به خداوند و راه هدایت الهی - اعلام ایمان به خداوند و راه هدایت الهی

۲۳۷۲- آیه شریفه ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ کدام دو سنت الهی را در بردارد؟

- (۱) سبقت رحمت بر غضب - توفیق الهی  
 (۲) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - توفیق الهی  
 (۳) سبقت رحمت بر غضب - امداد الهی  
 (۴) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - امداد الهی

۲۳۷۳- حدیث «مَنْ يَمُوتُ بِالدَّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالأَجَالِ» با کدام آیه شریفه ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) ﴿وَأَمْلَىٰ لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾  
 (۲) ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾  
 (۳) ﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾  
 (۴) ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلاَّ مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

۲۳۷۴- عبارات قرآنی ﴿إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ و ﴿وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ و ﴿فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ به ترتیب در رابطه با کدام یک از سنت‌های الهی مطرح می‌شود؟

- (۱) املاء - استدراج - استدراج  
 (۲) استدراج - سبقت رحمت بر غضب - امداد  
 (۳) استدراج - سبقت رحمت بر غضب - تأثیر بدی در زندگی  
 (۴) املاء - استدراج - تأثیر بدی در زندگی

۲۳۷۵- جمله «نمی‌خواهم با نوع پوشش، ذهن یک جوان را مشغول کنم.» از کدام شهید گرانقدر بیان شده است و به کدام مطلب اشاره دارد؟

- (۱) ابراهیم هادی - انسان مؤمن در هر آن، خود را با دو صدا روبه‌رو می‌بیند، نخست ندای حقیقت و دوم صدای مقابله با حق‌پذیری  
 (۲) ابراهیم همت - انسان مؤمن در هر آن، خود را با دو صدا روبه‌رو می‌بیند، نخست ندای حقیقت و دوم صدای مقابله با حق‌پذیری  
 (۳) ابراهیم همت - انسان مؤمن همواره خود را در معرض آزمایش الهی می‌داند و سعی می‌کند در آن سربلند باشد.  
 (۴) ابراهیم هادی - انسان مؤمن همواره خود را در معرض آزمایش الهی می‌داند و سعی می‌کند در آن سربلند باشد.



۲۳۷۶- حالت تدریجی در حرکت به سوی .....، از دقت در آیه ..... مستفاد می‌گردد و با توجه به سنت ..... می‌گوییم که برطرف کردن اندوه و غصه دیگران زندگی را بهبود می‌بخشد.

- ۱) افزودن امکانات - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾ - تأثیر اعمال انسان در زندگی
- ۲) عذاب الهی - ﴿وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ - تأثیر اعمال انسان در زندگی
- ۳) عذاب الهی - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾ - امداد
- ۴) افزودن امکانات - ﴿وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ - امداد

۲۳۷۷- از مصادیق کسانی که قرآن در وصف آنان می‌فرماید: «فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیافزایند» طبق گفته حضرت زینب (س) چه کسی است و این خطاب حضرت زینب (س) خطاب به آن شخص در کجا اتفاق افتاد؟

- ۱) یزید - عراق      ۲) یزید - شام      ۳) معاویه - عراق      ۴) معاویه - شام

۲۳۷۸- بزرگ‌ترین امتحان الهی در سخن امیر مؤمنان (ع) و ملاک سخت شدن امتحان الهی در کلام امام صادق (ع)، به ترتیب کدام‌اند و کدام آیه با مفهوم نخست ارتباط دارد؟

- ۱) نگه‌داشتن ایمان - افزونی ایمان و تقوا - ﴿وَ اُمْلِيْ لَهُمْ اِنْ كَيْدِيْ مَتِيْنٌ﴾
- ۲) نگه‌داشتن ایمان - افزونی ایمان و تقوا - ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾
- ۳) غنیمت شمردن مهلت‌ها - افزونی ایمان - ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾
- ۴) غنیمت شمردن مهلت‌ها - افزونی ایمان - ﴿وَ اُمْلِيْ لَهُمْ اِنْ كَيْدِيْ مَتِيْنٌ﴾

۲۳۷۹- فراهم کردن اسباب و شرایط برای تسهیل طی طریق، بیانگر کدام سنت الهی است و مفهوم کدام آیه به آن اشاره دارد؟

- ۱) امداد خاص الهی - ﴿وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ﴾
- ۲) امداد عام الهی - ﴿وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ﴾
- ۳) امداد عام الهی - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾
- ۴) امداد خاص الهی - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ﴾

۲۳۸۰- هدف امتحانات الهی، کدام است و کدام آیه به امتحان خاص مدعیان اشاره دارد؟

- ۱) آگاهی از درون افراد - ﴿وَ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِینَا لَنَهْدِيْنَهُمْ سُبُلَنَا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ﴾
- ۲) نشان دادن تمایلات درونی افراد - ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾
- ۳) نشان دادن تمایلات درونی افراد - ﴿وَ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِینَا لَنَهْدِيْنَهُمْ سُبُلَنَا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ﴾
- ۴) آگاهی از درون افراد - ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾

۲۳۸۱- آن‌گاه که جلوه عام امتحان الهی و جلوه خاص امداد الهی را مدنظر بگیریم، به ترتیب پیام کدام آیات راهبر ما به منظور است؟

- ۱) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذٰئِقَةٌ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ﴾
- ۲) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذٰئِقَةٌ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ - ﴿وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ﴾
- ۳) ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾ - ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ﴾
- ۴) ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا﴾ - ﴿وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ﴾

۲۳۸۲- از دقت در نص صریح قرآن کریم متوجه می‌شویم که: «نزول برکات و نعمات الهی» و «نصرت و هدایت الهی» به ترتیب در گرو ..... و ..... می‌باشد که نخستین آن، حاکی از سنت ..... است.

- ۱) ایمان و تقوا - انتخاب راه حق - توفیق الهی  
 ۲) ایمان و تقوا - تلاش و مجاهدت در راه حق - تأثیر اعمال انسان در زندگی او  
 ۳) انتخاب راه حق - تلاش و مجاهدت در راه حق - توفیق الهی  
 ۴) انتخاب راه حق - ایمان و تقوا - تأثیر اعمال انسان در زندگی او

### تست‌های ترکیبی

۲۳۸۳- آیه شریفه ﴿ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰی قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ﴾ به سنت مطرح شده در کدام آیه شریفه اشاره دارد؟ + درس ۱۲ یازدهم

- ۱) ﴿اَوْ حَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا يَفْتَنُوْنَ﴾
- ۲) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا﴾
- ۳) ﴿وَ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِینَا لَنَهْدِيْنَهُمْ سُبُلَنَا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ﴾
- ۴) ﴿وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ وَ لٰكِنْ كَذَّبُوْا﴾